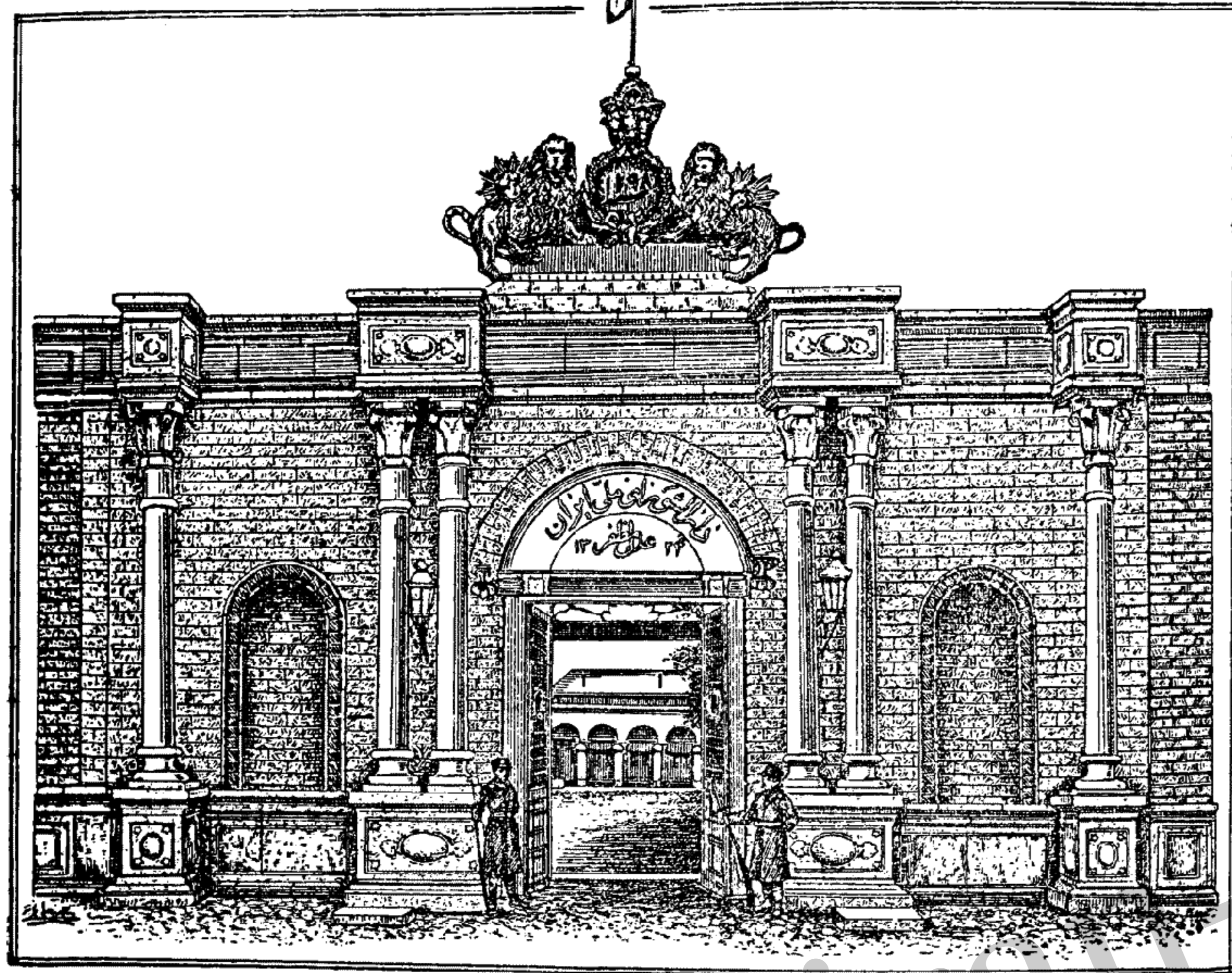


دوره ششم تفصیله

<p>جلسه ۲۲۵</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۹۰</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه یله سه شنبه ۲۹ اسفند ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۷ رمضان المبارک ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالبانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه نك شماره يك قران</p>

فهرست مندرجات



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس ليله سه شنبه ۲۹ اسفند ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۷ رمضان المبارک ۱۳۴۶

جلسه ۲۲۵

(مجلس سه ساعت و ربع از شب گذشته زیاست)
 آقای مرضی قلیخان بیات نایب رئیس تشکیل گردید (صورت مجلس ليله ۲۸ اسفند را آقای بنی سلیمان قرائت نمودند)
 غائبین با اجازه جلسه قبل
 آقایان: مرضی قلیخان بیات - باستانی - آقاعلی زارع
 بالیزی - قوام شیرازی - محمد تقی خان اسعد - نوبخت
 طباطبائی وکیل - صادق خان خواجوی - امامی خوئی

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	تصویب مرخصی آقای امام جمعه شیراز - حیدری مکری - آیه الله زاده خراسانی	۳۹۹۶	۳۹۹۷
۲	مذاکره نسبت به لایحه دولت راجع بخرید کشتی و استخدام متخصص و مهندس بحریه و تصویب آن	۳۹۹۷	۴۰۰۴
۳	بقیه مذاکره نسبت بخرید کیمسیون قوانین عدلیه راجع به لایحه حکمیت و تصویب آن	۴۰۰۶	۴۰۲۱
۴	قانون حکمیت	۴۰۲۳	۴۰۲۶
۵	قانون دویست هزار تومان اعتبار برای خرید کشتی مساح و اجازه استخدام صاحبمنصب و مهندس میکانیکی بحریه از ایتالیا	۴۰۲۶	

جوانشیر - زنکته

غائبین بی اجازه جلسه قبل

آقایان: شیروانی - محمد ولیخان اسدی - اعظمی - مهدوی - حاج حسن آقا ملک - میرزا حسنخان وثوق محمود رضا - دیوان بیگی - حاج غلامحسین ملک در آمده با اجازه جلسه قبل

آقای جمشیدی مازندرانی

در آمدگان بی اجازه جلسه قبل

آقایان: شریعت زاده - افخمی

نایب رئیس - آقای امامی

امامی - عرض کنم آن طوریکه بنده شنیدم آقای دیوان بیگی را غائب بی اجازه نوشته بودند در صورتیکه ایشان بواسطه مسافرتی که برایشان پیش آمده بود از مقام ریاست توسط بنده استعفا کرده تقاضا دارم اصلاح شود

نایب رئیس - بصورت جلسه مخالفی نیست؟

(گفتند - خیر)

نایب رئیس - صورت مجلس تصویب شد

وزیر مالیه - يك لایحه است تقدیم میشود برای تقاضای اعتبار برای اجرای قانون خالصجات انتقالی چون آن قانون را که آقایان تصویب فرمودند مقرر داشتند که از ۳۰۷ مالیات اربابی گرفته شود لازمه گرفتن مالیات اربابی ممیزی کردن است و ممیزی کردن هم اعتبار میخواهد بعد از آقایان محترم میخواستم تقاضا کنم که با توافق نظر همکار محترم خودم آقای وزیر عدلیه یکی از لویجی را که دیشب بنده تقدیم کردم و تقای فوریت کردم آنکه راجع به کشتی است تقاضا کنم (آقای وزیر عدلیه هم با بنده موافق هستند) که در دستور مقدم باشد و بعد از آن لایحه حکمیت مطرح شود ولی از آقایان استدعا میکنم که موافقت بفرمایند در خاتمه مجلس آن لایحه دیگر بنده هم مطرح شود

نایب رئیس - با ورود در دستور مخالفی نیست؟
(اظهاری نشد)

نایب رئیس - خبر از کمیسیون عرایض ومرخصی (بشرح ذیل قرائت شد)

نماینده محترم آقای امام جمعه شیراز از ۱۲ آذر الی ۱۲ بهمن غایب بی اجازه بودند شرحی بر علت عدم حضور خود بمقام منبع ریاست عظمی عرض کمیسیون نیز در روی همان تقاضا نامه مطالعات نموده و عذرایشان را موجه دانسته مرخصی دو ماهه ایشان را تصویب اینک خبر آنرا تقدیم مینماید

نایب رئیس - آقای رفیع

رفیع - راجع باین مسئله عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده عرضم نه این است که باین خبر مخالفت کنم بلکه میخواستم استدعا کنم که این جلسه را با این لوائح مهمی که در دستور هست به گذراندن خبر مرخصی نگذرانیم و مرخصی ها را در جلسه بعد از عید يك مرتبه تمام کنیم و امشب يك کاری برای مملکت کرده باشیم و وقتی که از مجلس بیرون میرویم بدانیم که يك کاری شده است بعقیده بنده بحر پیدائی مهمترین چیزها است . بنده این عرض را داشتم

نایب رئیس - راجع به مخالفت با این خبر نبود رای میگیریم به خبر کمیسیون آقایانیکه موافقت قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد . میفرمائید وارد دستور شوم .

نایب رئیس - بفرمائید

دادگر - بنده استدعا میکنم خبر راجع به مرخصی آقای حیدری را هم قرائت فرمایند بعد وارد دستور شوم

نایب رئیس - خبر مرخصی آقای حیدری (بمضمون ذیل خوانده شد)

نماینده محترم آقای حیدری مگری از اول اردیبهشت دو ماهه مرخصی خواسته اند کمیسیون با تقاضای ایشان موافق اینک خبر آنرا تقدیم مینماید

نایب رئیس - آقای رفیع

رفیع - مخالفی ندارم

نایب رئیس - مخالفی نیست؟

(گفته شد - خیر)

نایب رئیس - رای میگیریم به این خبر کمیسیون

آقایان موافقین قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)

نایب رئیس - تصویب شد . خبر مرخصی آقای

آیه الله زاده خراسانی

(باین نحو خوانده شد)

نماینده محترم آقای آیه الله زاده خراسانی از تاریخ ۲۲ اردیبهشت سه ماهه اجازه مرخصی خواسته بودند کمیسیون با درمنا آن موافق اینک خبر آنرا تقدیم مجلس نماید

نایب رئیس - مخالفی نیست؟

(نمایندگان - خیر)

نایب رئیس - آقایان موافقین با این خبر قیام

فرمایند

(عده زیادی قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد . لایحه راجع بخرید کشتی

مطرح است

(این نوع خوانده شد)

ساحت محترم مجلس شورای ملی : نظر باینکه حفاظت خلیج و سواحل از وظایف دولت و بایستی توجه بیشتری در آتیه نسبت باین امر منظور گردد . و نظر باینکه در سواحل خلیج فارس اجناس قاچاق انحصاری روز

بروز در ترابرد بوده و اداره کل گمرکات با وسایل موجوده فعلی قادر نیست که از قاچاق مزبور کاملاً جلوگیری کند و از این حیث همه ساله مبالغ کثیری خسارت متوجه خزانه دولت و تجار صحیح العمل می گردد .

و نظر باینکه دولت برای اداره کردن و نگاهداری کشتی هائیکه در خلیج ایران دارد یا ممکن است در آتیه خریداری شود متخصص کافی ندارد و شاید تا چندی هم تربیت چنین متخصصی در داخله ایران فراهم نگردد لذا لازم است که از یکطرف بر عده کشتی های موجود فعلی افزوده و از طرف دیگر متخصص ماهری از خارجه استخدام شود . نظر بمراتب فوق مواد ذیل پیشنهاد و تقاضای تصویب آن میشود

ماده ۱ مجلس شورای ملی مبلغ دوست هزار تومان از عوائد سنه ۱۳۰۷ بدولت برای مخارج ذیل اعتبار می دهد

الف - خرید کشتی مسلح برای حفاظت سواحل خلیج

ب - تعمیر کشتی های موجود

ماده ۲ - دولت مجاز است يك نفر صاحب منصب محربه و یک نفر مهندس میکالیکچی از اتباع دولت ایتالیا برای مدت سه سال استخدام نماید و حقوق آنها جمعاً از يكصد و پنجاه هزار تومان نباید تجاوز کند برای خرج مسافرت هر يك از آنها ایاباً و نهائماً چهار هزار قران پرداخت خواهد شد

تبصره - دولت مجاز است حقوق ۱۳۰۷ متخصص مزبور و خرج ایاب آنها را از محل دویت هزار تومان بصوبه ماده اول پرداخت و برای سنوات بعد اعتبارات لازمه را برای این مخارج در بودجه هر سال منظور دارد

ماده ۳ - وزارت مسالیه و وزارت جنگ مأمور

اجرای این قانون هستند

نایب رئیس - نظر باینکه فوریت از طرف دولت تقاضا شده است بدو فوریت مطرح است . آقای رفیع

آقای رفیع - موافقم

نایب رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - موافقم

بعضی از نمایندگان مخالفی ندارد

نایب رئیس - رأی میگیریم به فوریت این لایحه آقایانیکه

موافقتند قیام فرمایند

(عده زیادی برخاستند)

نایب رئیس - تصویب شد. شور در کلیات است.

آقای رفیع

رفیع - موافقم

نایب رئیس - آقای دادگر

دادگر - موافقم

نایب رئیس - آقای استرابادی

استرابادی - بنده اساساً با این لایحه مخالف نیستم

و موافقم ولی خواستم تحت عنوان مخالفت يك توضیحی

بخواهم که اختصاص خرید کشتی برای خلیج فارس بجه

مناسبت است

بعضی از نمایندگان - رای جلوگیری از قاچاق

استرابادی - میدانم برای قاچاق است لایحه را هم

شنیدم و موضوعی را که اهمیت داده اند موضوع قاچاق

است ولی بنده تصور میکنم که يك چیزهای دیگر را

هم نمیشود اهمیت نداد. البته خلیج فارس خیلی اهمیت

دارد ولی قسمت شمالی و بحر خزر هم تصور میکنم از يك

جهات دیگری (نه از قسمت قاچاق) از يك جهات

دیگری بی اهمیت نباشد. بنده خواستم به بیستم برای

قسمت شمالی هم در نظر دارند لایحه بیاورند یا

به کلی از سمت شمالی و بحر خزر صرف نظر کرده اند؟

اگر از بحر خزر صرف نظر شده است و کشتی لازم

ندارد برای چه؟ و اگر خیر بحر خزر هم جزء این

اعتبار است که مخالفتی ندارم

وزیر مالیه - اگر این قسمت اخیر فرمایش آقای

استرابادی نبود بنده از اظهارات ایشان خیلی تشکر میکردم

ولی این قسمت اخیرش اصلاً عباوت خون نبود صرف نظر

کردن یعنی چه؟

استرابادی - مقصود از خرید کشتی حالا

وزیر مالیه - هر کاری نباید توقع خودش بشود ما

خیلی احتیاجات داریم آنها را باید مرور رفع کنیم

پنجسال قبل شش سال قبل از این کشتی برای خلیج

فاوس هم نمیخواستیم بخریم ولی حالا لازم شده است خریده

شود و فردا هم برای دریای مازندران و خلیج استراباد

و همه اینها خریده میشود

جمعی از نمایندگان - صحیح است

نایب رئیس - آقای عراقی

عراقی - موافقم

نایب رئیس - مخالفی نیست؟

فیروز آبادی - بنده مخالفم

نایب رئیس - بفرمائید

فیروز آبادی - چند سال قبل چند کشتی بجهت ایران

خریده شد کشتی ناصری و کشتی مظفری این کشتیها در

اثر مواظبت نکردن با غرق شد با بکلی از بین رفت

بنده خواستم عرض کنم که انشاء الله اگر بنا شد حالا

کشتی خریده شود مثل آنها نشود و يك ترتیبی بشود

که دوست هزار تومان که برای این کار خرج میشود

دو باره بعد از چند سال دیگر معلوم نشود که بکلی

معدوم شده است و چیزی ازش نمانده است و يك طریقی

بشود که غیر از ترتیب سابق باشد. مخالفت بنده برای

این بود.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

نایب رئیس - رای گرفته میشود به شور در مواد

آقایان موافقتین قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد. ماده اول

[بمنحو ذیل خوانده شد]

ماده ۱ - مجلس شورای ملی مبلغ دوست هزار تومان

از عوائد سنه ۱۳۰۷ به دولت برای مخارج ذیل اعتبار

می دهد:

الف - خرید کشتی مسلح برای حفاظت سواحل خلیج

ب - تعمیر کشتیهای موجوده

نایب رئیس - آقای رفیع

رفیع - موافقم

نایب رئیس - آقای دادگر

دادگر - موافقم

نایب رئیس - آقای عراقی

عراقی - موافقم

نایب رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - موافقم

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - تصور نشود که بنده مخالفت اساسی

دارم. مخالفت بنده همان مخالفتی است که در دوره چهارم

و پنجم و حالا هم که دوره ششم است يك نظری داشتم

و آن این است که دولت ایران که دارای دریای آزاد

است باید در بودجه مملکتی در تحت عنوان بحر بیبائی

يك مبلغی داشته باشد دولت باید در بودجه يك مبلغی

برای بحریبائی در نظر بگیرد و بعنوان بودجه بحریبائی تقدیم

مجلس کند بعد از این انتظاریکه مدتها بود بنده داشتم

حالا که دوست هزار تومان برای اینکار دولت موفق

شده است بمجلس پیشنهاد کند بنده شکر گذاری میکنم

بنده چون وکیل هستم و نمیتوانم پیشنهاد خرج کنم

خواستم در تحت عنوان مخالفت این را عرض کنم که

دولت ایران که يك دولتی است هم خشکی دارد و هم دریا

باید توجهی هم بدریا داشته باشد تا بحال همه اش ما

متوجه خشکی بوده ایم و فکر ما متوجه دریا نبوده است

بنده عرض میکنم که باید در بودجه وزارت جنگ با وزارت

مالیه يك باب بودجه برای بحریبائی باز شود نه اینکه

يك دفعه فقط دوست هزار تومان خرج شود باید همانطور

که برای کارهای دیگر بودجه هر ساله داریم برای بحر

بیبائی هم در بودجه وزارت جنگ با مالیه هر ساله يك

مبلغی معین شود، این است که بنده با يك دفعه خرج

کردنش مخالفم مگر اینکه دولت این مبلغ را جزء بودجه

کند و هر ساله بیفزاید سال اول دوست هزار تومان

سال دوم سیصد هزار تومان معین کند. و اهمیتی را که

ما نسبت بدریاهای خودمان میدهیم باید بیشتر از این

باشد، هر وقت ما در این قسمت مذاکره میکردیم يك

چیز هائی میگفتند و معاون وزارت مالیه يك چیز-زی

میگفت حالا تشکر میکنم از آقای وزیر مالیه که این بودجه

را آورده است ولی از این نقطه نظر که خرج یکدفعه

است بنده مخالف هستم.

نایب رئیس - آقای رفیع

رفیع - نماینده محترم مخالفت نکردند مقصودشان تذکری

بود و در ضمن مذاکره فرمودند که دولت ایران هم دریا

دارد و هم خشکی، بدیهی است هر دولتی که در روی

زمین هست و دریا دارد خشکی هم دارد. این تذکر آقای

آقا سید یعقوب را البته دولت هم در نظر گرفته است و

از نقطه نظر همین تذکرات است که دولت رو بترقی گذاشته

است و انشاء الله حضرتعالی بعد از این در مجلس خواهید

بود و در کمیسیون بودجه هم خواهید بود با روی کشاده

رای خواهید داد که يك قلم های هنگفتی شاید انشاء الله

میلیون ها بودجه بحر بیبائی خواهیم داشت

نایب رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده هم آرزو و امیدم این است که

انشاء الله يك زمان برسد که ما سالی پنج میلیون ده

میلیون خرج بحریبان بشود و مثل حالا نباشد ولی حالا

هر چه که اهمیت به بودجه بحریبان میدهیم جز اینکه

جلوگیری از قاچاق نکنیم نتیجه دیگری نمیبریم اگر بگوئیم

که ما با کشتی هامان میتوانیم بار به اینطرف و آنطرف ببریم بحال

است که در مقابل کشتی های خارجه بتوانیم عرض اندام کنیم پس

همان اندازه برای خرج دریاهای ما لازم داریم که بتوانیم جلوی قاچاق

را بگیریم و این دو بیست هزار تومان بعهیده بنده برای جنوب و شمال هر دو کافی است

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
نایب رئیس - رأی میگیریم. ماده اول آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب برخاستند)

نایب رئیس - تصویب شد. ماده دوم

(این طور خوانده شد)

ماده ۳ - دولت مجاز است بکنفر صاحب منصب بحریه و بکنفر مهندس میکانیکی از اتباع دولت ایتالیا برای مدت سه سال استخدام نماید و حقوق آنها جمعاً از یکصد و پنجاه هزار قران نباید تجاوز کند. برای خرج مسافرت هر يك از آنها ایاباً و ذهاباً چهار هزار قران پرداخته خواهد شد.

تبصره - دولت مجاز است حقوق ۱۳۰۷ متخصصین مزبور و خرج ایاب آنها را از محل دو بیست هزار تومان مصوبه ماده اول پرداخت و برای سنوات بعد اعتبار لازم را برای این مخارج در بودجه هر سال منظور دارد.

نایب رئیس - آقای عراقی

عراقی - موافقم.

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده خیلی میل داشتم عریضی که کردم آقای وزیر مالیه توجه میفرمودند این موضوعی که عرض کردم نظر بنده خیلی اساسی بود و در دوره چهارم و پنجم هم در مجلس مذاکره شد و دولت های دیگر وعده هائی دادند که خیلی خوب بود، بنده میل داشتم که آقای وزیر که اینجا تشریف داشتند جواب میدادند ولی ایشان خارج شدند و در فقر معاون هم که در این جا بودند جوابی ندادند و آقای حاج میرزا محمد رضا بك جوابی دادند که آن جواب قانع کننده نبود حالا هم در اینجا آقای وزیر می خواهند جواب بدهند یا ندهند

کاري ندارم. در این ماده هم بنده ایراد دارم. نوشته است یازده هزار تومان، صد و پنجاه هزار قران برای صاحب منصب بحری و متخصص میکانیکی بنده درست نمیدانم ولی گمان میکنم زیاد باشد مگر بك ترتیبی نوشته شود که معلوم باشد که این صاحب منصب چه درجه دارد و مقام او چیست، بنده اول گمان کردم که این یازده هزار تومان مثل سه سالش است. این است که بنده با سالی یازده هزار تومان مخالف هستم مگر اینکه آقای وزیر توضیح بدهند و بنده را قانع کنند.

وزیر مالیه - علت اینکه در آن موقع جواب نمابنده محترم را بنده ندادم این بود که بنده انتظار داشتم این ماده خوانده شود و ایشان عرض کنم که آن نیت مبارکی را که ایشان داشتند و اظهار کردند اگر درست دقت فرمایند در این ماده نوشته شده است برای اینکه در اینجا هست که دولت مجاز است مخارج آمدن اینها را از این محل دو بیست هزار تومان بپردازد و برای سنوات دیگر مخارج آنها را در جزء بودجه بگذارد. این همان بودجه بحریهائی است که آقا میفرمایند و تصدیق میفرمائید که با این ترتیب نظر آن کاملاً رعایت شده است. اما نسبت به مبلغ که اظهار مخالفت فرمودید تصدیق میفرمائید که بکنفر صاحب منصب بحری که شالوده آن اداره را که میفرمائید باید برزد ما يك صاحب منصب بالنسبه خیلی کوچکی و با حقوق کمی استخدام خواهیم کرد برای اینکه اگر میخواستیم بك صاحب منصب بزرگی استخدام کنیم با این مبلغ نمیشد و بعلاوه با این مبلغ بك مکانیک هم خواهیم آورد و این ضمن را هم مقتضی نبود بنده بکنم برای اینکه ما باید وارد مذاکره شویم و البته باید قبلاً در مجلس مذاکره کنیم بعمل آید و بدون اجازه داشتن از طرف مجلس البته مقتضی نبوده است که مذاکره از طرف دولت بشود

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

موقر - بنده مخالفم.

نایب رئیس - بفرمائید.

موقر - با استخدام بکنفر مکانیک کاملاً موافقم ولی با استخدام صاحب منصب جداً مخالفم.

نایب رئیس - در کفایت مذاکرات بفرمائید

موقر - توضیحات میخواستم راجع به این مسئله بدهم.

نایب رئیس - راجع بکفایت مذاکرات بفرمائید

موقر - بنده میخواستم عرض کنم که این ماده بك توضیحات زیادی لازم دارد و اگر اجازه بفرمائید بنده آن توضیحات را عرض کنم تا اینکه مجلس متوجه يك مسائلی بشود که خبر ملت در اوست، اگر اجازه میفرمائید آن توضیحات را عرض کنم

نایب رئیس - رای گرفته میشود آقایانیکه کفایت

مذاکرات را تصویب میکنند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد. پیشنهاد آقای ارباب

کیخسرو.

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم بعد از منبع اعتباری برای حقوق مزید شود: (سالیانه)

نایب رئیس - آقای ارباب کیخسرو

ارباب کیخسرو - بنده درست ملتفت نشدم چون نسخه اش در دستم نبود، در جائیکه اعتبار حقوق پیشنهاد کرده اند آیا ذکر سالیانه شده است یا نه؟ اگر دارد بنده مسترد میدارم و اگر ندارد مقصود بنده این بود که توضیح داده شود که این مبلغ برای سالیانه است نه برای سه سال

وزیر مالیه - در اینکه مقصود همین است تردیدی نیست حالا اگر عبارت وافی نیست بنده پیشنهاد آقای ارباب را قبول میکنم و ممکن است يك مرتبه دیگر خود

آقای رئیس نسبت بماده دقت فرمایند اگر وافی نیست بنده قبول میکنم

نایب رئیس - ماده این کلمه را لازم دارد

وزیر مالیه - بسیار خوب بنده قبول میکنم

نایب رئیس - نوشته میشود که حقوق آنها سالیانه از یکصد و پنجاه هزار قران تجاوز نخواهد کرد با این طور اصلاح میشود

وزیر مالیه - صحیح است

نایب رئیس - پیشنهاد آقای ملک ارج میرزا (بشرح آتی خوانده شد)

پیشنهاد میکنم صاحب منصب کشتی حق ندارد ناموعد کنترانش سر برسد استعفا بدهد بهیچ اسم و رسم

نایب رئیس - آقای ملک ارج میرزا

ملک ارج میرزا (یور تیمور) - در این جنک بین المللی بنده اغلب دیدم که خارجی هائی که در ایران بودند احضارشان کردند چه مستخدمه و چه ناچر گذاشتند و رفتند حالاً ممکن است يك اتفاقی بیفتد که يك سربزه احضارشان کنند بنده پیشنهاد کردم که او حق ندانسته باشد که ول کند و برود و کشتی ها مثل کشتی پرس پلیس بیفتد به دست کاپیتان رجب که نتواند دیگر حرکت کند پس باید يك همچو چیزی در کنترانش قید شود وزیر مالیه - بنده امیدوارم که انشاء الله دیگر حادثه مثل جنک بین الملل که يك فاجعه عمومی بود اتفاق نیفتد و يك همچو اجباری برای مستخدمین خارجی ما پیدا نشود و نمنا میکنم آقا هم به همین امیدواری این پیشنهاد را مسترد بفرمایند

ملک ارج میرزا - مسترد میکنم

نایب رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که نوشته شود: سالیانه ده هزار تومان، عوض یکصد و پنجاه هزار قران.

نایب رئیس - آقای فیروز برای

فیروز آبادی - بنده خیلی متأسفم که بعضی اوقات پیشنهاد هائی می‌کنم که باعث این میشود که بگویند فلانکس نظرش تنگ بود و چرا در هر پیشنهادی اعتباری را که خواسته اند نصف یا ثلث میکنند ولی چاره ندارم بنده نظر نجات این ملت و بریشانی آنها که می‌کنم (چون شب و روز با آنها حشر دادم) می بینم که اینها قوه بعضی مخارج را ندارند. اگر بعضی خرج ها بشود ده هزار تومان بازده هزار تومان خرج بشود که در مقابلش هم همین اندازه دخل باشد بنده مضایقه ندارم چون البته خرج میشود و در مقابلش هم دخیل میشود ولی بنده میبینم خرج هائی که میشود بقدر آن خرج دخلش بر نمیگردد حتی بعضی اوقات نصف هم بر نمیگردد به این ملاحظه بنده با بعضی مخارج مخالفم. در این جا هم نوشته است صد و پنجاه هزار قران که بازده هزار تومان میشود بنده تصور میکنم برای يك نفر مکانیک هرچه باشد سالی دو هزار تومان کافی است و هشت هزار تومان هم بجهت يك صاحب منصب شاید کافی باشد از این جهت پیشنهاد کردم که این اعتبار از ده هزار تومان بالا نرود

نایب رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضا (رفیع) - آقای فیروز آبادی اغلب در ضمن مذاکراتشان در مجلس اظهار میکنند که بنده با مردم زیاد حشر دارم مثل اینکه ایشان فقط حشر دارند. آقا همه آقایان با مردم حشر دارند... فیروز آبادی - آقایان دیگر با اعیان بنده با قفرا حشر دارم.

رفیع - خیر آقا اینطور نیست بالاخره همه مردم با هم حشر دارند همین اهالی طهران اغلب رجوعشان به وکلای ولایات است ممکن با آقا حشر داشته باشند ولی کارهایشان همیشه اوقات با نمایندگان ولایات است بعد هم بنده تصور میکنم که آقا فقط در خشکی این شخص را دارند بنده نمیدانم که در دریا هم تخصص دارند خیلی خوب آقایان دیگر

هستند که خانسان لب دریا است وکلای بندر بهلوی و مازندران چون لب دریا هستند البته میخواهند يك صحبتی هائی بکنند. آقای موقر خیلی دلشان میخواهد يك صحبت هائی برای این قسمت بکنند برای تخصصی است که دارند و لب دریا نشسته اند ولی حضرت علی نمی دانید. و دولت هم این مبلغ را تشخیص داده است و ممکن نیست و نمیشود بکفران هم کسر کرد

نایب رئیس - رای میگیرم به پیشنهاد آقای فیروز آبادی آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (چند نفری برخاستند)

نایب رئیس - رد شد. پیشنهاد موقر

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم بجای بکنفر صاحب منصب از تبعه ایتالیا نوشته شود: صاحب منصب ایرانی

نایب رئیس - آقای موقر

موقر - عرض کنم که ما در خلیج فارس متخصصی داریم از تبع دولت ایران که در علم بحر پیمائی اطلاعاتشان خیلی بیشتر و بالا تر از تبع خارجه است اثبات این مسئله در همین يك نکته موجود است که تمام کشتیهای دول خارجه بخلیج فارس میآیند برای ورود در بنادر خلیج فارس اعم از بوشهر یا محمره و یا سایر بنادر مجبور هستند از نا خدا های محلی استمداد بچینند در صورتی که کشتی های خارجه محتاج به معاونت نا خدا های خلیج فارس که اتباع ایران هستند میباشد هیچ جهت ندارد که ما از اشخاص بصیر عالم با اطلاع که اتباع ایرانند صرف نظر کنیم و از خارجه استخدام کنیم یعنی از اشخاصی که علم و اطلاعاتشان نصف اینها نیست. وقتی که کشتی پرس پلیس در پنجاه سال قبل از آلمان خرید شده است و به خلیج فارس آمد تمام صاحب منصبان کشتی از اتباع دولت آلمان بوده از قبیل ناخدا و مکلیک و غیره. بعد از چند سال دولت

موقر - معلوم میشود با این توضیحات تصمیم گرفته اند از خارجه استخدام کنند باین جهت پیشنهاد خودم را مسترد میکنم.

نایب رئیس - رأی میگیریم بماده دوم آقایانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد. ماده سوم

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۳ - وزارت مالیه و وزارت جنگ مأمور اجرای این قانون هستند

نایب رئیس - مخافی ندارد؟

(گفته شد خیر)

نایب رئیس - رأی میگیریم بماده سه آقایانیکه موافقت قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد ماده الحاقیه پیشنهاد آقای استرابادی

(بشرح آتی قرائت شد)

ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میکنم:

ماده الحاقیه - دولت مکلف است در ظرف شاه نسبت بداتن کشتی در بحر خزر مطالعات لازمه نموده و تصمیمی اتخاذ و به مجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید

نایب رئیس - آقای استرابادی

استرابادی - آقای وزیر مالیه فرمودند که اگر آن کله صرف نظر از طرف بنده گفته نشده بود از بنده تشکر میکردند بنده مقصودم این است که خواستم رفع شبهه کنم اولاً اینکه بنده لفظ صرف نظر را عرض کردم مقصودم این بود که در این لایحه راجع به خرید کشتی صرف نظر شده است و الا سوء تفاهم نشود و نسبت باین پیشنهاد هم قسمت های جنوبی و خلیج

ایران از استخدام تبع خارجه برای کشتی پرس پلیس مستغنی شد و آن را به ناخدا ها و صاحب منصب های ایرانی واگذار کردند و تا زمانی که کشتی پرس پلیس در حال صحت بود در کمال خوبی از انجام این وظیفه تر میآمدند و کشتی را به هندوستان و سایر نقاط میبردند و حال آنکه کشتی پرس پلیس کشتی خیلی بزرگی است و در حدود تجاوز از يك هزار تن بار کبری دارد و این کشتی که در معادل دویست هزار تومان باید خریده شود يك کشتی بسیار کوچکی خواهد بود و چنین کشتی نمیتواند تحمل يك چنین مخارج سنگینی را که سالیانه پانزده هزار تومان است بکنند. از این نقطه نظر است که بنده پیشنهاد کردم که در صورتیکه ما از اشخاص بصیر و مطلع از اتباع ایران در بوشهر و سایر بنادر خلیج فارس داریم هیچ جهت ندارد که ما از اشخاص خارجه استخدام کنیم که علم و اطلاعاتشان هم باندازه این ها نیست.

وزیر عدلیه - وقتی که آقای وزیر مالیه خواستند این لایحه را مقدم بدارند بنده دیده بقدری این لایحه مفید است که تصور کردم در این لایحه دیگر آقایان صحبت نخواهند کرد گرچه یکی از آقایان میگفت که گمان میکنم اگر در مسائل خیلی مسلم و سببی هم يك لایحه بیاید و صحبت شود يك پیشنهادی اغلب آقایان احتمالاً میدهند و حالا وارد شدیم در این مسئله و بنده می بینم همینطور است و متأسفانه کار به پیشنهادها میگذرد خواستم نما کنم از آقایان که توجه فرمایند که وقت خیلی کم است و لوابخ لازم دیگری هم داریم اما راجع به بیانات آقا اولاً کشتی که دولت میخواهد داشته باشد عبارت ازین کشتی تنها نیست و کشتی های دیگری هم هست که باید بخرد و مصلحت من جمیع جهات اینطور دیده شده است که از خارج استخدام کنند و خواهش میکنم آقا هم پیشنهاد خودشان را پس بگیرند

نایب رئیس - رای میگیریم به پیشنهاد آقای موقر.

فارس از نقطه نظر اقتصاد همانطوری که در لایحه نوشته شده است برای قاچاق خیلی مهم است و بنده هم موافقم و رأی هم دادم ولی بحر خزر از يك جهات دیگری که شاید گفتن صلاح باشد تصور میکنم اهمیت داشتن کشتی خبلی بیشتر است از آنطرف هم چون حالا نمیتوانند در این لایحه چیزی اضافه کرده باشند بنده پیشنهاد کردم که دولت در ظرف شش ماه يك مطالعه برای داشتن کشتی بحر خزر بکند و يك تصمیمی اتخاذ و به مجلس پیشنهاد بکند و وزیر مالیه - حقیقه بنده از آقای استرآبادی دیگر که میخواهم بکنم این اظهاراتی که میفرمایند مثل این است که يك موضوعی است که دولت برای بحر خزر میخواهد کشتی بیاورد. حقیقه میخواهم بگویم که ما هر وقت دلمان بخواد هر قدر کشتی که برای بحر خزر لازم داشته باشیم می آوریم. پس در اینصورت شش ماه مطالعه بکند یعنی چه هر وقت لازم شد تکلیف ما است نه تکلیف این پیشنهاد.

نایب رئیس - رای می گیریم به پیشنهاد آقای استرآبادی ...
استرآبادی - بنده استرداد میکنم بعضی از نمایندگان - (بطور همهمه) پس چرا پیشنهاد میکنید !؟

نایب رئیس - شور در کلیات است ، مخالی نیست (گفته شد خیر)
نایب رئیس - رای میگیریم باین قانون که مشتمل بر سه ماده است آقایانیکه موافقت ورده سفید خواهند داد (اخذ و شماره آراء بعمل آمده هفتاد و شش ورقه سفید تعداد شد)

نایب رئیس - عده حاضر ۸۸ با اکثریت ۷۶ رای تصویب شد
اسامی رای دهندگان - آقایان: حقنویس - ذوالقدر اسکندری - آقا سید کاظم زدی - حشمتی - دولتشاهی

طباطبائی و کیلی و جمعی دیگر
نایب رئیس - آقای زوار

زوار - مخالفت نماینده محترم آقای روحی در بنده مؤثر شد باین جهت میخواستم توضیحات بدم برای اینکه سال که دوازده ماه است بازده ماه و بیست و پنج روزش مال کار های دولت است پنج روزش هم مال خود مجلس باشد ...

بعضی از نمایندگان - همه کار مملکت است

زوار - اجازه بدهید عرض کنم : معمول سنوای مجلس بوده است که قبل از اقباضی سال بودجه مجلس مطرح میشد که تکلیف معین شود بنابر این بنده پیشنهاد کردم که خبر کمیسیون محاسبات راجع به بودجه مجلس مطرح شود یکساعت هم بیشتر وقت لازم ندارد

نایب رئیس - آقای عمادی

عمادی - نظر آقای زوار را بنده تصدیق دارم خود بنده هم شب گذشته همین پیشنهاد را کردم لکن چیزی که هست با اینکه لایحه قضیه حکمیت در شرف اختتام است گمان میکنم خودشان هم حاضر شوند این پیشنهاد را استرداد کنند و باین لایحه موافقت کنند که سه سهولت تمام شود بعد این لایحه مطرح شود.

زوار - بسیار خوب مستزدمی دارم

نایب رئیس - آقای محمد ولی میرزا راجع به پیشنهاد خودتان توضیح بدهید

محمد ولی میرزا - این پیشنهادی که تقدیم شده است گر چه یقین دارم که آقای وزیر عدلیه مکدر میشوند ولی موضوع این است همانطوری که آقای وزیر عدلیه و سایر آقایان وزراء امشب اصرار دارند که لوایح فوری و فوری بصوب مجلس برسد این هم راجع به تعمیر سدها است و البته آقایان باید تصدیق فرمایند که تاخیر این کار يك مخاطره خیلی مهلکی برای يك قسمت از اهالی ایجاد میکند و این مخاطره هم برای امروز است یعنی برای دوسه ماه دیگر این قضیه هر صورتی که باید پیدا

بکنند پیدا خواهد کرد. و چون این مخاطره امروز در پیش است بنده نمیدانم واقعاً اگر فردا در يك شهری مثل تبریز دو هزار نفر تلف قدری و مالی پیدا شود مسؤولان کیست. ازین نظر است که بنده موظف هستم که این عرض را بکنم و این از طرف خودم و رفقای محترم آذربایجان است نمنا میکنم آقایان در این قسمت يك مساعدتی فرمایند که این لایحه هم همین امشب مطرح شود و این يك رای است و در ازاء این ما حاضر هستیم ناساعت پنج از نصف شب گذشته بنشینیم تا نوب سحر و لایحه حکمیت را هم تمام کنیم

وزیر عدلیه - نماینده محترم می فرمایند بنده مکدر میشوم. بنده کار شخصی که ندارم آقایان بلا لایحه حکمیت رأی بدهند باندهند در زندگانی شخصی بنده هیچ فرق نمیکند. اما اینقدر که بنده اصرار میکنم و صریحاً از آقایان خواهش میکنم و التماس میکنم برای این است که بعد از مشورت با يك عده اشخاصی که قطع دارم قضایا را درش دقت میکنند و تشخیص می دهند این يك لایحه خیلی مفیدی است و از طرف دیگر بنده با يك عده از آقایان در روز دوم سوال باید بطرف خراسان حرکت کنیم و در ایام بعد از هفتم و هشتم هم کسه ممکن است تعطیل مجلس تمام شود بنده در طهران حاضر نیستم که این لایحه را تمام کنیم و بعلاوه در چهاردهم فروردین مدت کمیسیون عدلیه تمام میشود و در کمیسیون جدید باید مجدداً طرح شود در این صورت تقاضای بنده برای همین است و اما لایحه که آقا فرمودند بنده نمیدانم که اگر بر فرض این لایحه امشب بگذرد پس فردا سدها بسته میشود!؟

مدرس - بجهت همین سبلی که فردا میاید! وزیر عدلیه - از طرف دیگر این لایحه هنوز از کمیسیون بودجه بمجلس نیامده است و تقاضای دو فوریت هم در وقت تقدیم لایحه باید بشود از طرف دولت هم که تقاضای فوریت نشده مگر اینکه حالا

يك فورمول جدیدی در نظامنامه پیدا شده باشد اینست که بنده تقاضا میکنم موافقت بفرمایند این لایحه مطرح و تمام شود

نایب رئیس - اما ما مطلب راجع به فوریت است در مطرح شدن آن نباید صحبت شود

وزیر مالیه - این قضیه قابل رأی نیست برای اینکه هنوز کمیسیون مربوطه خبرش را به مجلس نداده دولت هم وقتی لایحه را تقدیم کرده تقاضای فوریت نکرده است ارجاع به کمیسیون شده چطور ممکن است مورد رأی واقع شود؟ حالا راه این کار این است که آقا پیشنهاد خودشان را مسترد بدارند ما هم ترتیب می دهیم که کمیسیون در اولین جلسه آتی این مسئله را مطرح کنند و خبرش را هم زود تر بدهند بعد هم اعتباراتش برای ساختن حاضر است و و خیلی زود ساخته میشود محمدولی میرزا - بنده برای موافقت نظر آقایان محترم مسترد میدارم

نایب رئیس - ماده دهم قانون حکمیت مطرح است پیشنهادی در جلسه قبل از آقای عمادی بوده است که قرائت شده و مذاکره شده باید رأی بگیریم عجاله قرائت میشود و رأی میگیریم

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که مورد دوم از ماده ده حذف شود نایب رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای عمادی را تصویب میکنند قیام فرمایند (کسی قیام نکرد)

نایب رئیس - تصویب شد. رأی میگیریم به ماده ده... آقا سید یعقوب - آقا بنده پیشنهادی داده ام نایب رئیس - اینجا که نیست آقایانیکه ماده ده را تصویب میکنند قیام فرمایند (اکثر برخاستند)

نایب رئیس - تصویب شد. ماده یازدهم (بشرح آتی قرائت شد)

ماده ۱۱ - در صورتیکه رأی حکم پس از انقضای مدت حکمیت صادر شده باشد محکمه بتقاضای یکی از متداعبین او را فسخ میباید در موارد ذیل رأی حکم باطل و از درجه اعتبار ساقط است

(ا) در صورتیکه حکم ها خارج از حدود اختیارات خود نسبت به مطلبی که موضوع حکمیت نبوده حکم داده باشند (ب) وقتی که برخلاف سند رسمی حکم شده باشد (ج) وقتی که طرفین بتفاهق حکم حکم را رد نمایند

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - موافقم

نایب رئیس - آقای روحی

روحی - موافقم

نایب رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضا رفیع - موافقم

نایب رئیس - آقای دادگر

دادگر - موافقم

نایب رئیس - مخالفی نیست؟

فیروز آبادی - بنده مخلفم

نایب رئیس - بفرمائید

فیروز آبادی - بنده این ماده را يك قدری زیاد میدانم برای اینکه نوشته است در صورتیکه رأی حکم پس از انقضای مدت حکمیت صادر شده باشد محکمه بتقاضای یکی از متداعبین او را فسخ میباید خوب اگر بعد از انقضای مدت شد دیگر آن حکم قانونیت ندارد و خودش فسخ هست و اصلا این زیادتی است این یکی

هم در صورتیکه حکم حکم خارج از حدود اختیارات او باشد این هم دیگر لازم نیست باشد و اصلاحی نداشته است خارج از حدود اختیارات خودش حکم بکند اینهم زیادتی است و اصلا محتاج نیست مخالفت بنده در همین دو قسمت بود که عرض کرده

وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم این مسئله اشتباه باشد بعضی ها هستند که يك قضائاتی را يك حکم حسن نظری استنباط میکنند ولی ما قانون را باید طوری بنویسیم که محل اشتباه نباشد ما که مخالف با اصل نداریم. حضرتعالی می فرمائید واضح است بنده کمان می کنم واضح نباشد باین جهت اینطور نوشتیم جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

نایب رئیس - پیشنهادها قرائت میشود

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای دکتر طاهری

پیشنهاد میکنم ماده ۱۱ اینطور نوشته شود

ماده ۱۱ - حکم ها مکلف هستند رأی خود را در مدت حکمیت بدهند و در صورتیکه رأی حکم پس از انقضای مدت حکمیت صادر شده باشد محکمه بتقاضای یکی از متداعبین آنرا فسخ میباید

نایب رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - در اینقانون هیچ جا ننوشته بود که همیشه حاکمه مکلفند که در مدت حکمیت رأی بدهند اینست که بنده این اصلاح را پیشنهاد کردم که نوشته شود که حکمها باید در حدود قانون حکمیت در مدت حکمیت رأی خود را بدهند و بعد در صورتیکه حکم حکم بعد صادر شود فسخ میشود

وزیر عدلیه - این پیشنهاد را قبلا هم با بنده مذاکره کرده بودند بنده موافقت کردم مقصود هم همین است مخبر - بنده هم موافقت میکنم

نایب رئیس - رأی میگیریم بنده یازدهم که قسمت اول

آن برطبق پیشنهاد آقای دکتر طاهری اصلاح میشود و قسمت دوم مثل قانون سابق. آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد ماده دوازدهم

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۱۲ - حق الزحمه حکمهای بدوی سه ربع عشر مدعی به است که طرفین دعوی بالسویه خواهند داد و درین حکمها بالسویه تقسیم خواهد شد مگر اینکه حکم در رأی خود تقسیم حق الزحمه را بین متداعبین بطریق دیگری قرار بدهد

حق الزحمه حکم مشترك که برای تجدید نظر تعیین میشود ربع عشرات و آزا فقط کسی خواهد داد که تقاضای تجدید نظر نموده است

حق الزحمه پس از ختم رسیدگی و قطعی شدن رأی پرداخته میشود و محکمه مربوطه مسئول وصول و ایصال آن خواهد بود

در صورت اقدامات اجرائی مخارج اجراء مطابق مقررات قانون اصول محاکمات حقوقی و بر عهده محکوم علیه است

مخبر - اجازه بفرمائید در این ماده بجای اینکه نوشته شود ربع عشریه است نوشته شود ربع عشرات. این در مطبعه اشتباه شده باید اصلاح شود. یکی هم محکمه مربوطه است مربوط نوشته شده است رفیع - یکی هم واو است.

بعضی از نمایندگان - واو هم زیاد است

نایب رئیس - آقای عباس میرزا

عباس میرزا - مقصود اساسی این قانون البته يك تغییر است در اصول قضائاتی تا يك حدودی. باین معنا که جریان دعاوی را از کارهای رسمی انتقال بدهند مردم که خود اهالی در بین خودشان این قضایا را مرتفع کنند

یس موظف بودن را برای این قضیه بنده مخلف هستم بواسطه اینکه حالا هم اینستگاه حکمیت بکلی که نزه نیست سابق هم حکمیت بتراضی طرفین معمول بود و بیک اشخاص غیررسمی هم بودند که در اوضاع قضائی دخالت میکردند از قبیل هیئت منصفه که در اغلب جاهای دنیا بوده و در بران هم همینطور است. هیئت های منصفه اغلب در قضایای مهمه تشکیل میشود و آراء آنها هم همیشه قاطع است و در تمام ممالک برای مرید قضات میکنند اینجا اگر اینها را موظف کنیم بعقیده بنده یک عیوانی پیدا میکنند و مثل این است که اشخاصی که مشمول حکمیت میشوند سمت رسمیت پیدا میکنند و مجلس شورای ملی آنها را موظفاً مشغول حکمیت میکند بالطبع اگر کسی بیک اشخاصی اعتماد داشته باشد و آنها را حکم قرار بدهد آن حکم بطوری باو نزدیک است از حیث رفاقت یا دوستی یا منافع مشترک که تصور نمیکم متوقع گرفتن و جوهات باشد اینجا حکمی که انسان میآید برای او رأی میدهد نزدیکترین دوست او خواهد بود یا نزدیکترین شخصی خواهد بود که باو اعتماد دارد ولیکن حالا آمدیم این را موظف کردیم بنده تصور میکنم که خود آقای داور تصدیق بفرمایند باین عدلیه که اینهمه زحمت کشیدند و تأسیس کردند یک صدمه بزرگی وارد میآید زیرا در اغلب جاها در اغلب شهرها ممکن است یک عده نبائی کنند اشتراک کنند جمع شوند و یک مردمانی که به خواهند از طریق حکمیت یک منافی نهیه کنند و این مسئله گرفتن حق الزحمه یک چیزی را که همیشه در ایران متداول بوده و زائد بود یعنی ده یک و ده نیم را رسمی میکند در این قانون و بالاخره یک مدتی نمیکرد که در هر جائی یک اشخاص واقعا تصور میکنند ممکن است یک اقدامی کنند که دیگر کسی به عدلیه مراجعه نکند. از دو نقطه نظر یکی از نظر اینکه خودشان یک منافی ببرند و این صدمه با اصول جاری عدلیه میزند و ما البته باید این مسئله را اینجا قطع کنیم یعنی مسئله حکمیت را با

عدلیه زیرا عدلیه اساساً باید باشد و محکم هم باشد ولی حکمیت نباید چیزی باشد که روند از او منافع اتخاذ کنند. این یک چیزی است آزاد اگر یک اشخاصی یک حکمهایی معین کردند حکم های آیند می نشینند بدون گرفتن حق الزحمه (آنهم حق الزحمه رسمی) حکمیت میکنند و کار را حل میکنند و الا اگر بنا شد که حکم ها موظف باشند بنده تصور میکنم که یک معایب اساسی پیدا خواهد کرد

وزیر عدلیه - بنده خیلی خوشوقت شدم که آقای شاهزاده یک چنین عقیده را اظهار داشتند که اگر خدای نخواستہ یک روزی یک دعوائی برای بنده پیش بیاید و در آنوقت بخواهم یکی از حکم های آقای قرار بدهم به آقای می گویم که قانون قرار داده است چیزی بدهم ولی شما از من بگیری. در زندگانی و عمل اگر بخواهیم حکمیت عملی شود نمیتوانیم بگوئیم و یک اشخاصی را مجبور کنیم که بیاوند وقت خودشان را صرف بکنند زحمت بکشند و بالاخره طرف بیسبیلی یکی از طرفین دعوی هم بشوند. برای چه معلوم نیست صرف نظر از این که فرمودید باید حکم از دوستان و اقرباء نزدیک باشد. ملاحظه میفرمائید که باید می کرد که حکم مشترک بالاخصاص یک کسی باشد که بی طرف باشد در قضایا. رو بهمرفته بنده تصور میکنم که حضرت والا فکرتان خیلی خوب فکری است. البته در عالم اخلاق خیلی خوب میشد که اشخاص از برای اشخاص کار انجام میدادند پول هم نمیکرفتند ولی بدرد دنیای امروز نمیکشود. هیئت منصفه را هم که فرمودید بدانید همیشه حقی برای حضورشان منظور میکنند مخصوصاً در بعضی جاها هست که حقی برایشان هست و هر سه روز که حاضر میشوند آن حق را میگیرند

نایب رئیس - آقای حاج شیخ بیات

حاج شیخ بیات - بنده مخالفتم را جم بقسمت آخر ماده است که نوشته است در صورت اقدامات اجرائی

مخارج اجراء مطابق مقررات قانون اصول محکمت حقوقی و بر عهده محکوم علیه است تا بحال در دعاوی حقوقی که مرده مجبور بودند یک عشر از حق محکوم به را باجرا بدهند برای این بود که یک جریان محکمانی طی میکرد از این جهت این اجبار میشد برای اشخاص ولی در صورتیکه قضیه به حکمیت رجوع میشود و در موقعی که عرضحال را میدهد حق عرضحال را هم میدهد و بعد هم حق حکم ها را میدهد دیگر یک عشر هم برای اجراء بدهد خیلی زیاد است و این دیگر مورد ندارد این است که بنده روی این زمینہ یک پیشنهادی دادم نمائند میکنم آقای وزیر عدلیه هم موافقت بفرمایند.

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده مخالفم

نایب رئیس - آقای عمادی

عمادی - عرض کنم که بنده مخالف هستم نسبت بحق الزحمه.

نایب رئیس - خوب پس بفرمائید

مخبر - بنده خواستم تذکر بدهم به آقایان که چون این ماده مورد ملاحظه یک عده از آقایان واقع شده است. بهتر این است که در این باب مذاکره نکنند و پیشنهاد بدهند

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

آقا سید یعقوب - بنده مخالفم.

نایب رئیس - راجع تکفایت مذاکرات بفرمائید

آقا سید یعقوب - عرض کنم مخبر میفرمایند پیشنهاد بدهید. خودشان دعوت میکنند که مذاکره بیشتر طول بکشد. پس خوبست مطلب گفته شود شاید خود آقای مخبر یا وزیر قبول بکنند یک چیزی را بنده می خواهم عرض کنم یا یک چیزی بکنفر دیگر میخواهد بگوید پس بهتر این است که چهار نفر مخالفین لا اقل نظریاتشان

گفته شود که معلوم شود مخالفت از چه نظر است دیگر متصل پیشنهاد داده نشود

نایب رئیس - آقای رفیع

رفیع - عرض کنم خدمت آقا اینکه آقای رفیع

مذاکرات کافی نیست این در موقعی است که یک مرتبه باید در مجلس مذاکره شود و بعد به کمیسیون که کمیسیون بداند که لایحه اش را چه جور تنظیم کند در یک جائی که ما نشستیم و میخواستیم یک کاری تمام کنیم بالاخره راه عملیش این است که پیشنهاد داده شود و دلایل مخالف و موافق گفته شود و بالاخره پیشنهاد خاتم الزاع است پیشنهاد می کنید توضیح میباید اگر چنانچه منطقی و صحیح بود البته آقای رفیع آقای وزیر قبول میکنند و الا اینطور که تذکره پس خوب است اجازه بفرمائید مذاکرات کافی بشود

نایب رئیس - رأی میکنیم به کفایت مذاکرات

آقایانیکه موافقتند قیام فرمایند

[اکثر برخاستند]

نایب رئیس - اکثریت است پیشنهاد

قرائت میشود.

[بشرح ذیل خوانده شد]

پیشنهاد آقای مدرس

پیشنهاد میکنم ماده دوازدهم بطریق ذیل نوشته شود
حق الزحمه هر یک حکم بدوی ربع عشر مدعی باشد که طرفین دعوی بالسویه خواهند داد مگر اینست که در رأی خود تقسیم را بین متداعیین بطریق دیگر بدهد حق الزحمه حکم های مشترک که برای تجدیدنظر تعیین میشوند سه ربع عشر مدعی به است که فقط کسی تقاضای تجدید نظر کرده است خواهد پرداخت
الزحمه پس از رسیدگی و قطعی شدن رأی در صورت تقاضای تجدید نظر پرداخته میشود الی آخر

نایب رئیس - آقای مدرس

مدرس - اصلاح این پیشنهاد بنده ماده رافی الجملة تغییر داد ولی اصل مطلب را تغییر نداد يك خصوصیتی از نظر عمو شده است که شاید بعد اسباب اشکال شود باین ملاحظه بنده این ماده را پیشنهاد را کرده اولاً در موارد سابق نوشتیم که ممکن است طرفین يك نفر را حکم قرار بدهند. این ماده خوب صریح نبود که اگر يك نفر را حکم کردند چه قدر به بدهند خواستیم توضیح بشود که اگر يك نفر را حکم کردند يك ربع عشر بیشتر ندهند اگر سه نفر را معین کردند سه ربع عشر بدهند که عبارتاً آخری هر حکمی يك ربع عشر داشته باشد. اگر يك نفر است طرفین ربع عشر بدهند و بنده این تصریح را مفید میدانم چون طرفین وقتی دیدند اگر بکنفر را معین کنند ربع عشر خواهد داد بسا هست که بکنفر معین میکنند و از این جهت این پیشنهاد را کرده که هر يك از حکم ها يك ربع عشر خواهند داشت و در آخر این ماده يك عبارتی داشت که پس از رسیدگی و ختم قضیه باید این حقوق را به حکم ها داد و این منوط باین است که پس از گذشتن از استیناف باید حقوق آنها داده شود در صورتیکه در ماده قبل گرفتن حکم ها اجرت خودشان را موقوف به استیناف نکرده است و وجهه هم ندارد موقوف باستیناف کنند زیرا حکم يك کسی است که کار خودش را کرده است منتظر این بشود که استیناف نقض کند یا نباید نماید مناسبی ندارد لذا بجای آن گذاشتیم تا گذشتن تجدید نظر یا تقاضای تجدید نظری که حکم ها صبر میکنند ولی اگر تجدید نظر نشد و استیناف داده شد فلسفه ندارد که حکم ها اجرت خودشانرا بگذارند تا استیناف نماید یا نقض کند از این جهت این پیشنهاد را کردم و این را هم تذکر بدیم که از مسائل اساسی این قانون اجرت گرفتن حکم ها است عمل بنده خدا و مسلم محتره است و اجرت که میگیرند البته بعد از آنکه اجرت گرفتند بی نظر می شوند نسبت بطرفین و اجرت را از طرفین

میگیرند و برای طرفین کار میکنند و البته اگر بنا شد حقوق نگیرند مثل حکمیت بنده و آقای دکتر مصدق میشود که دو ماه است در يك مسئله حکم هستیم و هیچوقت يك جلسه زفته ایم که این مسئله را خاتمه دهیم یا من میروم آقایان هستند باقی میروند من نیستم ولی اجرت گرفتن نتیجه اش این میشود که خوبی کاسبی میشود و هر وقت کاسبی شد خوب زیاد میشود بنده هم خوب میشوم و هم مزد میگیرم وقتی که خوب شدم مزد گرفتم این خودش يك چیز خوبی است يك پول حلال به قاعده است کار میکنم و پول میگیرم ایشان من هم مخالفتی ندارد و لذا به عقیده بنده يك چیز اساسی در این قانون این است که حکم ها اجرت داشته باشند. بخیر - چون این پیشنهاد بنظر خیلی از آقایان موجه آمده و فعلاً هم مذاکره شد و این اصلاح ضرورت دارد با نتیجه بنده موافقت میکنم حاج شیخ بیات - بنده با قسمت آخرش مخالفم. نایب رئیس - پیشنهادهای دیگر هم هست. پیشنهاد آقای عمادی

[مضمون آتی خوانده شد]

بنده پیشنهاد میکنم که ماده دوازده بترتیب ذیل نوشته شود: ماده دوازده - حق الزحمه حکم های بدوی دو عشر از يك عشر مدعی به است الی آخر نایب رئیس - آقای عمادی عمادی - عرض شود اجرت به حکم دادن همین شکلی است که حضرت آقای مدرس گفتند عمل محسنی است و ان الله لا یضیع اجر المحسنین این مسلم است. عرض شود غالب این اشخاص که حکم می شوند فامیل و اهل ولایت همدیگر هستند و بنده در مقدارش استدعا کردم دو عشر از يك عشر باشد نه چهار عشر از يك عشر اگر چنانچه آقای وزیر و مخبر قبول بفرمایند برای متداعین سهل است و اساس این قانون هم برای تسهیل است

مجدداً قرائت شود.

(بشرح سابق خوانده شد)

وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم آقای عمادی هم موافقت کنند بگذاریم همانطور که آقای مدرس فرمودند بواسطه حق الزحمه زیاد که دادیم مردم خوب شوند وقتی خوب ها زیاد شدند اروانش میکند. عمادی - مسترد میدانم

نایب رئیس - پیشنهاد آقای حاج شیخ بیات

(بشرح ذیل خوانده شد)

مطر آخر از ماده دوازده بقرار ذیل اصلاح شود در صورت اقدامات اجرائی مخارج اجرا دو عشر از يك عشر محکوم به خواهد بود و برعهده محکوم علیه است. نایب رئیس - يك پیشنهاد دیگر هم در همین زمینه رسیده است قرائت میشود

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم تبصره ذیل را اضافه شود مخارج عدلیه بیش از آنچه در وقت تقدیم عرض حال داده میشود نخواهد بود و در صورت اقدامات اجرائی حق اجرا دو عشر عشریه است. یعقوب الموسوی

نایب رئیس - آقای حاج شیخ بیات

حاج شیخ بیات - اینجا همانطور که بنده در ضمن ماده عرض کردم سه عشر بر متداعین تخمید کردن خیلی سنگین است چون يك عشر از بیات حق الزحمه حکم ها يك عشر بعنون اجرا و يك ربع عشر هم به عنوان محاکمه در اول میگیرند این است که بنده اینجا پیشنهاد کردم که قسمت اجرائیش اکتفا شود به دو عشر از يك عشر در قانون اصول محاکمات هم هست نسبت به قضایائی که میگذرد يك عشر گرفته میشود در قضایائی که به حکمیت تمام میشود که عشر از يك عشر بگیرند يك قسمت عرض بنده راجع به قسمت آخر پیشنهاد آقای مدرس بود فرمودند ما باید حق حکم ها را عین کل حال بدهیم قبل از اینکه طرف مقابل استیناف

بدهد. بنده گمان میکنم اگر بنا باشد حق حکم ها قبل از استیناف دادن و قبل از رد شدن با ابرام شدن حکم داده شود این حکم تنفیذ نمیشود. احکامی را که صادر میکنند باید يك احکامی باشد که مستحق این حق.

نایب رئیس - آقا خارج از موضوع پیشنهاد است مخیر - سلسلاً با پیشنهاد آقای حاج شیخ موافق هستم برای اینکه تسهیلی نسبت به اشخاص بشود و از طرف دیگر آقای آقا سید یعقوب هم يك پیشنهادی به مخارج محاکمه کرده اند اگر آقای حاج شیخ هم موافقت بفرمایند پیشنهاد خودشان را مسترد بفرمایند و همان پیشنهاد آقای سید یعقوب که متضمن هر دو قسمت است قبول شود بهتر است. پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب خوانده شود

(بشرح سابق خوانده شد)

حاج شیخ بیات - بنده هم موافقت میکنم

وزیر عدلیه - در این پیشنهاد قسمت دومش نامین میکند نظر آقا را و قسمت اولش هم راجع بخرج محاکمه است آقای بیات هم با این پیشنهاد موافقت بفرمایند بنده هم موافقم

حاج شیخ بیات - بنده هم موافقم

نایب رئیس - پس قسمت اخیر ماده حذف میشود و آن تبصره جانش میآید. قسمت اول ماده مطابق پیشنهاد آقای مدرس که مخبر کمیسیون هم قبول کردند و قسمت آخرش هم حذف میشود و این تبصره بجایش میآید. قرائت میشود

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای مدرس پیشنهاد میکنم ماده دوازده بطریق ذیل نوشته شود حق الزحمه هر يك نفر حکم بدوی ربع عشر مدعی به است که طرفین دعوی بالسویه خواهند داد مگر آنکه حکم در رای خود تقسیم را بین متداعین به طریق دیگر قرار بدهند حق الزحمه حکم های مشترك را برای

تجدید نظر تعیین می شود سه ربع عشر مدعی به است که فقط که تقاضای تجدید نظر کرده است خواهد پرداخت تعیین حق الزحمه پس از رسیدگی و قطعی شدن رأی در صورت تقاضای تجدید نظر پرداخته می شود.

نایب رئیس - این قسمت اول تبصره هم خوانده میشود.

(اینطور خوانده شد)

تبصره - مخارج عدلیه پیش از آنچه در وقت تقدیم عرض حال داده میشود نخواهد بود و در صورت اقدامات اجرائی حق اجرا دوعشر عشریه است.

نایب رئیس - يك پیشنهاد دیگری رسید است قرائت میشود.

(شرح آنی خوانده شد)

پیشنهاد آقای ملک مدنی تبصره ذیل را پیشنهاد می نماید . در صورتیکه محاکمه به تعیین حکم خاتمه پذیر شود وزارت عدلیه باید عشریه مدعی به را بگیرد نصف او را فی مابین حکم ها بالسویه تقسیم نموده نصف دیگر به صندوق عدلیه عاید شود.

نایب رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - عرض کنم يك کسی که محاکمه دارد نباید بیش از يك عشریه بدهد برای اینکه منظور از تشکیلات عدلیه آسایش مردم است این قانون هم روی این نظر مجلس شورای ملی آمده و آقای وزیر عدلیه هم جدیت دارند آنرا بگذرانند به این ترتیب ممکن است از يك کسی که يك دعوائی پیدا میکند وقتی هم که تعیین حکم شد دو عشر بگیرند یعنی يك عشر برای حکم و يك عشر هم برای اجرائیات در صورتیکه وقتی قضیه به طور حکمیت خاتمه پیدا کند زحمتی به قاضی متوجه نمیشود بنابراین چرا باید عشریه بگیرند؟ این است که بنده پیشنهاد کردم در صورتیکه قضیه نه حکمیت خاتمه پیدا کند از نقطه نظر اینکه قاضی و محاکمه هم نظر دارند عشریه را بگیرند

نصف بین حکم ها و نصف هم برای دولت جهت اجرائیات باشد بنظر بنده اگر يك نظری اتخاذ کنند مطابق پیشنهاد بنده و آقای وزیر عدلیه این پیشنهاد بنده را قبول فرمایند خیلی صلاح تر است تا اینکه هم عشریه و هم برای حکم ها پول بدهند و اگر این ترتیب باشد باعث خواهد شد که در آنیه يك اشخاصی که بیکار هستند این مسئله را برای خودشان کار قرار بدهند و خود این يك نفلی خواهد شد وزیر عدلیه - بنده به نمایندگی محترم مجبورم عرض کنم که پیشنهادی که آقای مدرس کردند بعد هم پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب بعد هم پیشنهاد آقای حاجی شیخ هیچ کدام را در نظر نگرفتند اولاً بفرمایند يك عشر به اجرا بدهند در صورتیکه پیشنهادی که آقای آقا سید یعقوب و آقای حاجی شیخ ایات کردند و بنده هم قبول کرده يك عشر نیست که به اجرا داده شود و دو عشر از يك عشر است آهم در صورتیکه اقدامات اجرائی پیدا کند و الا هیچ نمیدهد پس اگر يك حکمیتی بشود از عشریه که سابقاً میدادند اینجا سه ربع از عشر میدهد به حکمها و يك ربع باقی میماند اگر هم کار اجرائی پیدا شود خواستند به اجرا رجوع کنند از همان ربع میدهند و از طرف دیگر هم فراموش نفرمائید که آنها خرج عدلیه خرج محاکمه نبود خرج وکیل بود و برای تعیین حکمیت طرفین دعوی خودشان میتوانند حاضر شوند چون جریان محاکمات در این ملک يك چیزی نیست که مخفی باشد گرچه آقای مخبر محترم که پهلوی بنده نشسته اند از این تذکر بنده چندان خوششان نیاید ولی يك چیزی را که بنده در اینجا در نظر گرفته ام این است که پای وکیل از میان برود و مردم بتوانند مستقیماً از حق خودشان دفاع کنند بنابراین خوب است آقام موافقت فرمایند و پیشنهادشان را مسترد فرمایند ملک مدنی - چون مقصود بنده تأمین شده است استرداد میکنم.

نایب رئیس - پیشنهاد آقای دهستانی

[بشرح ذیل خوانده شد]

بنده پیشنهاد میکنم مخارج اجرا عشر از عشر مدعی به که صدی يك باشد معین شود

دهستانی - عرض کنم که این قانون خوب قانونی است ولی ماده دوازده تقریباً اصل مدعی به را دارد تقسیم میکنند يك قسمت را که حکم ها میبرند يك قسمت را هم که اجرا می برد مدعی و مدعی علیه باید روی هم را ببوسند و بروند این را از آقای وزیر عدلیه تقاضا میکنم که قبول فرمایند که صدی يك بشود

نایب رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای دهستانی آقایانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند

[معدودی برخاستند]

نایب رئیس - تصویب نشد . پیشنهاد آقای یاسائی [این طور خواند شد]

تبصره ذیل را بنده دوازده پیشنهاد میکنم : تبصره در صورتیکه حکم ها موفق به اصلاح ذات البین شوند حق الزحمه آنها نصف خواهد شد

یاسائی - بنده فکر میکردم که در ضمن این قانون این قسمت پیش بینی نشده است که اگر حکم ها موفق به اصلاح شدند تکلیف چیست ؟ البته نظر این است که حکم ها سعی کنند قضیه را اصلاح نمایند و از يك طرف قید نشده که در صورت اصلاح متداعیین باز هم باید حق الزحمه بدهند چنانچه در عدلیه هم معمول است که اگر قضیه بصلاح انجامید مخارج محاکمه گرفته نمیشود و از يك طرف هم اگر حق الزحمه در بین نباشد باعث میشود که در قضایا از اصلاح زیاد طرفداری نکنند باین جهت بنده این پیشنهاد را کردم که اگر موفق باصلاح شدند نصف حق الزحمه را بدهند . حالا اگر آقایان عقیده دارند که تمام حق الزحمه گرفته شود بنده هم مخالفتی ندارم ولی باید تصریح شود در قانون اگر بتوانند در کار اصلاح کنند باز هم حق الزحمه را حق خواهند داشت و طوری نشود که این مسئله باعث بشود اصلاح از بین برود

وزیر عدلیه - عرض کنم نظریکه آقای یاسائی دارند بنده تصور میکنم با این پیشنهاد درست در نباید عرض میکنم اشخاص عادی نمیخواهند که حکم ناحق داده باشند ولی نمیخواهند هم حق خودشان از بین برود و اگر بنا باشد مطابق این پیشنهاد عمل شود البته حکم زیر بار نمیروند که اصلاح شود و از هزار نفر نهد و نود و نه نفر عقیدهشان این میشود که اصلاح نشود که حقوقشان را تمام بگیرند در صورتیکه ما میخواهیم قضا با اصلاح هم بشود و البته اصلاح هم بدهند حق آنها هشان داده خواهد شد و حالا تصور میکنم از نقطه نظر تأمین همان نظریکه فرمودند بهترین است استرداد فرمایند

یاسائی - استرداد میکنم

نایب رئیس - رأی گرفته میشود بنامه دوازدهم بهمان ترتیبی که قرائت شد آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد . ماده سیزدهم بعضی از نمایندگان - مواد الحاقیه مقدم است .

نایب رئیس - بسیار خوب . ماده الحاقیه کبیون قرائت میشود .

(بشرح ذیل خوانده شد)

در صورت نراضی طرفین در هر مرحله از مراحل دعوی میتوان به حکمیت رجوع کرد و در اینصورت حکم قابل تجدید نظر نخواهد بود بعضی از نمایندگان - مخالفی ندارد

نایب رئیس - رأی گرفته میشود به ماده الحاقیه که ماده سیزده میشود آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد . دوسه فقره مواد الحاقیه دیگر هست قرائت میشود .

ماده الحاقیه پیشنهادی آقای مدرس

ماده الحاقیه - هرگاه در محکمه انتظامی معلوم شد که معرفی محکمه اشخاص را بجهت حکم مشترك کلاً یا

بعضا طبیعی نبوده بلکه مستقیم یا غیر مستقیم مبنی بر تبتانی و مذاکرات سابق بوده حال که محکمه محکوم به انفصال ابدی خواهد شد و آن شخص یا اشخاص در هیچ واقعه از برای حکم مشترک معرفی نخواهند شد.

مدرس - این قانون به عقیده تمام آقایان انشاء الله الرحمن بک قانون مفیدی خواهد شد. تمام این مواد را که ملاحظه فرمائید جائی که کار را به اشکال می اندازد و بساهت نتیجه خوب ندهد آن جائی است که مسئله زدست متداعیین در رود. متداعیین اولاً هر کدام بک حکم معین میکنند و البته هر کسی هم که حکم معین میکند سعی میکند کسی که بری خودش مفید است معین کند اشکال سر آن کسی است که محکمه معین میکند و اختیار از دست متداعیین خارج میشود بک شخصی را معرفی میکنند برای حکم مشترک حقیقه اگر محکمه محکمه صالحه باشد باید سعی کند آن فلسفه که از حکمیت منظور است که به سرعت مسئله تمام شود انجام بگیرد حالا بک وقت محکمه بک اشخاص مناسب مطالب را طبیعتاً معین میکند. مثلاً اگر مسئله تجارنی است البته میان تجار اشخاصی هستند که محل ونوق و اطمینان هستند سه چهار نفر از آنها را معین میکند و البته متداعیین بک اشخاصی را از بین آنها قبول میکنند البته وقتی که محکمه بک اشخاص صالحی را معرفی کند ممکن است متداعیین تراضی بکنند از آنها را برای حکم مشترک معین کند آن وقت مسئله بر میگردد باینکه هر کدام از متداعیین بکنند حکم بمیل خودشان انتخاب کرده اند و بک سر حکم هم تراضی معین شده است و کار بر میگردد بخود اشخاص ولی اگر خبر پیش بک شخصی مذاکراتی کردند بقرار مدارهائی دادند به مستقیم یا غیر مستقیم آمدند به من گفتند آقا شها را معرفی میکنیم دیگر متداعیین که نمیتوانند محکمه را بچوب ببندند هر کس را که دل خودش میخواهد محکمه معرفی میکند اگر یکی را رد کند بک بدتر را بجایش

میگذارد و بالاخره آهائی که مقصودش حاصل میکنند معرفی میکنند و عیب کار حکمیت اینجا است تصدیق فرمائید که خرابی همین جا می شود زیرا حکم مشترک در حقیقت حکم است با این قیدی که کرده که بصیرت طلب باشند هر چه طرفین یکی از آنها را رد نکنند بک بدتر را بجایش میگذارند قرعه هم که دیگر نشان ندارد لذا بنده این ماده را که نمیدانم آقایان توجه فرمودند به پیشنهاد کرده که آن حکم مشترک که معرفی باید طبیعی باشد و اگر در محکمه انتظامی معلوم شد که بک سابقه مذاکره و قرار دادی در کار بوده است از حبه محکمه چه مستقیم و چه غیر مستقیم و از انفصال ابدی بشود و آن حکم ها دیگر مرجع حکمیت پیدا نکنند لذا بنده این پیشنهاد را کردم

نایب رئیس - آقای باستانی

باستانی - پیشنهاد آقای مدرس ظهراً بک چیز خوبی بنظر میآید ولی مشکل عملی بشود برای اینکه قضائی که اشخاص ستمدین در بک محلی معرفی میکنند نمیشود مقید کرد که هیچ مذاکره با آنها نشده باشد من باب مثال عرض میکنم اگر بک شخصی را که محل اعتماد میباشد در بک محلی قاضی معرفی کرد طرفین هم قبول کردند ولی آن شخص حاضر شد بری حکمیت و متداعیین خواهش کردند از قاضی که شهاگو قبول کند فردا محکمه انتظامی باید بیاید تعقیبش کند که چرا با آن شخص مذاکره کرده !!! قاضی از نقطه نظر دلسوزی به متداعیین بکفر را که معتقد است خوب آدمی است برای حکمیت معرفی میکند این تبتانی نیست بهر جهت این پیشنهادی که حضرت آقای مدرس فرموده اند بک تصدیقی است مخصوصاً هم باعث میشود که هیچ داخل در معرفی نشوند و اگر هم شدند بک ترتیبی بشود که نفع طرفین تمام نشود یعنی احتیاطات زیادی بشود که نفع طرفین تمام نشود قضیه مسکوت بگذرد نظر بنده بهتر است برای اینکه مادر قوانین جزائی بک چیزهائی داریم که اگر قضات ذبکی

از طرفین تبتانی هائی بکنند بک مجازاتی دارند از نقطه نظر ارتشاء بک مجازات هائی دارند در این جا بطور خصوص لازم نیست دیگر قید شود

وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم در موقع خواندن پیشنهاد درست توجهی نشده باشد و در مذاکراتی که آقای مدرس فرمودند آن مذاکرات تولید سوء تفاهمی کرده است چون در مذاکراتشان فرمودند که قبلاً مذاکره کرده باشد در صورتیکه در پیشنهاد مینویسند طبیعی نبوده یعنی تبتانی کرده باشند برای اینکه بکنند می رود پیش قضی و بگوید که من از شما خواهش میکنم قبول فرمائید که وقتی می خواهید اسامی را بقرعه بگذارید فلان پنجنفر را هم بقرعه بگذارید این تبتانی است و جلو گیری باید کرد و پیشنهادی هم که ایشان داده اند تصور میکنم شما هم موافق باشید و گمان میکنم در موقع خواندن درست دقت فرمودید و در موقع بیاناتشان که توضیح میدادند سوء تفاهمی پیدا شد.

مخبر - قسمت اول پیشنهاد آقای مدرس خیلی خوب است چون راجع است بجلو گیری از تعاطی و تبتانی هائی بین قضات و متداعیین. این خیلی صحیح است یعنی مطابق موازین و اصول است ولی اگر در محکمه انتظامی تشخیص و تحقیق شود که قضی تبتانی کرده است با احد از متداعیین این تبتانی مسئولیتش متوجه حکم طرفین بشود این صحیح نیست برای اینکه ممکن است که آنها از تبتانی بین قاضی و یکی از متداعیین اطلاع نداشته باشند و در نتیجه عمل یکی از متداعیین این قضیه بعمل آمده باشد و اگر اینطور باشد حکم چرا مسؤل باشد؟ مسؤلیت حکم وقتی معلوم میشود که حکم مغرضانه داده باشد و اگر اینطور نشده باشد ولو اینکه مسبوق عم باشد مسؤلیتی متوجه آنها نباید بشود و این صحیح نیست باین جهت بنده استدعا میکنم از اقا که همان قسمت اول پیشنهاد را قبول فرموده و قسمت ثانی را مسترد فرمایند اینطور بهتر است هر گاه

در محکمه انتظامی معلوم شود که یکی از قضات با یکی از متداعیین برای تعیین حکم مشترك تبتانی کرده محکوم بانفصال ابدی خواهد شد [کافی است و قسمت آخر بعقیده بنده زائد است

بدر - بنده با جزء اولش هم مخالفم :

نایب رئیس - بدون اجازه چرا صحبت میکنید آقای

بدر - بنده عضو کمیسیون هستم

نایب رئیس - باشید

مدرس - بنده قسمت اخیر را راجع باشخاص پس میگیرم.

مخبر - در هر حال بنده قسمت اول را قبول کردم قسمت ثانی را هم خود آقای مدرس استرداد فرمودند حالا باید رأی گرفته شود بکنفر از نمایندگان - قرائت شود

[این قسم قرائت شد]

هرگاه در محکمه انتظامی معلوم شد که معرفی محکمه اشخاص را بجهت حکم شدن کلاً یا بعضاً طبیعی نبوده بلکه مستقیم یا غیر مستقیم مبنی بر تبتانی و مذاکرات سابق بوده حال که محکمه محکوم بانفصال ابدی خواهد شد و آن اشخاص ...

مخبر - دیگر آن اشخاص را نمی خواهد. باید نوشته شود در آن آخر که محکوم بانفصال ابدی خواهد شد رفیع - اجازه میدفرمائید؟ این بک ماده الحاقیه است پیشنهاد نیست حالا که مخبر قبول کرد باید موافقین و مخالفین حرف بزنند

نایب رئیس - نمیشود آقا صحبت کرد. رأی میگیریم به پیشنهاد آقای مدرس که ماده ۱۴ خواهد شد آقایان موافقین قیام فرمایند

[اکثر قیام نمودند]

نایب رئیس - تصویب شد. پیشنهاد دیگر آقای مدرس [این قسم قرائت شد]

ماده الحاقیه - نسبت به دعاوی حقوقی که فعلا در مراحل بدوی مطرح است هرگاه یکی از متداعیین در جلسه اول بعد از تصویب اینقانون تقاضای حکمیت نماید بطریق اینقانون رفتار خواهد شد

مدرس - آقایان اعضاء کمیسیون بمن ابراز نفرمایند که چرا این مطالب را در کمیسیون نگفتی چون بعضی مذاکرات هست که در ضمن مباحثات مجلسی شخص ملغف میشود و الا سوء ادبی نشده است نسبت باعضاء کمیسیون - عرض میشود مسئله آنوقتی که ما شروع کردیم بقانون حکمیت شاید این قانون حکمیت برای خیلی کسان نافع باشد و برای بعضی ها مضر باشد لابد قهراً دعاوی يك نهجی در عدلیه پیدا کرده است که آنها را اگر بخوایم بگذریم در جریان خودش بگذرد ۶ ماه يك سال دو سال پنج سال طول خواهد کشید و مردم هم معطل اند و اگر بخوایم آنها را هم راحت کنیم این پیشنهاد خیلی مفید است بنده پیشنهاد کردم که این دعاوی که فعلا در محاکم ابتدائی مطرح است بعد از تصویب این قانون در هر کجا هست اگر در جلسه اول یکی از متداعیین تقاضای حکمیت کرد این قانون جاری شود نسبت باو چون نسبت باقیه قبل از شروع رسیدگی است ولی نسبت باین مسائلی که مطرح است در مراحل ابتدائی اگر در وسط رسیدگی هم هست در جلسه اول بعد از تصویب این قانون بتواند یکی از آنها تقاضای حکمیت بکند اینقانون جریان پیدا بکند گمان این است که نافع باشد (صحیح است)

مخبر - اگر يك کلمه آقای مدرس اضافه کنند به پیشنهادشان بنده قبول میکنم و آن این است که بنویسند قبل از اعلان ختم محاکمه مدرس - البته صحیح است بنده قبول میکنم مخبر - با این قید بنده قبول میکنم نایب رئیس - ماده الحاقیه با اصلاحی که شده قرائت میشود و رای میکنیم

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده الحاقیه - نسبت بدعاوی حقوقی که فعلا در مراحل بدوی مطرح است هرگاه یکی از متداعیین قبل از اعلان ختم محاکمه در جلسه اول بعد از تصویب این قانون تقاضای حکمیت نمایند بر طبق این قانون رفتار خواهد شد

مخبر - عرض کنم که حالا بنده متوجه شدم اضافه شدن این جمله موردی ندارد چون آقای نوشته اند در اولین جلسه محاکمه که بعد از تصویب این قانون خواهد شد و البته اگر محاکمه اعلان ختمش شده باشد دیگر جلسه برایش تشکیل نمیشود بنابر این همانطور که اول پیشنهاد را نوشته بودند قبول میکنم

مدرس - خیلی خوب ولی ضروری هم نداشت نایب رئیس - رای میکنیم باین ماده الحاقیه که ماده ۱۵ خواهد شد آقایان موافقین قیام فرمایند (جمع کثیری رخواستند)

نایب رئیس - تصویب شد ماده الحاقیه دیگر (این قسم قرائت شد)

مضاء کنندگان ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میکنیم نسبت بدعاوی منقول که يك طرف دولت باشد و بعد از تاریخ تصویب این قانون تولید شود و ناشی از اعمال تصدی دولت باشد و همچنین دعاوی غیر منقول که يك طرف دولت باشد هم از اینکه قبل از این تاریخ تولید شده باشد یا بعد از آن تولید شود بشرط ناشی بودن از اعمال تصدی دولت بطریق حکمیت و مطابق مواد فوق رفتار میشود و سایر دعاوی که يك طرف دولت بطریق اداری قطع و فصل میشود نسبت بدعاوی فوق که قبل از این تاریخ در عدلیه طرح شده است در صورتی که حکم راجع بانها هنوز قطعی نشده باشد در هر مرحله از مراحل دعوی میتوان تقاضای حکمیت کرد تبصره اول - اعمال تصدی اعمالی است که دولت از نقطه نظر حقوق مشابه اعمال افراد انجام میدهد مانند خرید

و فروش املاک و غلات و اجاره و استجاره و امثال آن تبصره دوم - دعاوی بین بانک ایران (بانک استقراضی سابق) و افراد دولت محسوب نشده تابع قوانین عمومی است فهیمی - غلامحسین - مدرس فهیمی - آقایان تصدیق میفرمایند که یکی از مسائلی که فوق العاده اسباب زحمت از برای مردم شده است و ادارات و وزارتخانهها هم نسبت باین قسم از دعاوی بی تکلیف هستند دعاوی که يك طرف آن دولت است چند ماه قبل وزارت عدلیه يك لایحه پیشنهاد کردند بمجلس شورایی ملی برای این موضوع . لایحه مزبور بلا تعقیب مانده است تا بحال در موقعی که این لایحه حکمیت را دولت پیشنهاد کرد در چند شب قبل آقای وزیر عدلیه يك لایحه دیگری پیشنهاد کردند که در تعقیب آن لایحه دعاوی بین افراد و دولت هم بطریق حکمیت قطع و فصل شود بنده با بعضی از آقایان : آقای مدرس و بعضی دیگر مذاکره کردم دیدیم که اگر این مطلب را بتأخیر بیندازیم يك امر مهمی است و خوب نیست بتعویق بیفتد لذا اینطور مقنضی دانسته که يك ماده ضمیمه این لایحه شود که تکلیف این قسمت هم معلوم شود اینکه دعاوی بین دولت و افراد نا کنون بلا تعقیب و بلا تکلیف مانده است بجهت این است که اعمالی را که دولت متصدی است و اسباب تعرض و اضرار واقع میشود از دو قسم خارج نیست بعضی اعمالی است که بعنوان نمایندگی قوه عمومی و مجری قانون اقدام در آن میکنند مثل وصول مالیات فرضاً کسی مالیاتش را نداده دولت باید او را تعقیب کند و از دارائی او توقیف کرده وصول کند و این موضوع عملی نیست که قوه قضائیه بتواند در آن رسیدگی کند افراد هم نمیتوانند رسیدگی کنند اینها را اعمال حاکمیت دولت مینامند ولی بعضی عملیات دیگر هست که دولت نسبت بان افراد آن عملیات را میکند مثلاً دولت ملکی را اجاره میکند یا میخرد یا میفروشد در اینقسم از معاملات

که از این تاریخ بعد تولید میشود ... نایب رئیس - آقای فهیمی توجه بماده ۷۹ هم فرمائید ...

بعضی از نمایندگان - ماده ۶۳

فهیمی - که از این تاریخ بعد تولید میشود مطابق همین قانون حکمیت فصل و قطع میشود و آنچه که متعلق بغير منقول است ام از اینکه قبل از این تاریخ باشد یا بعد از آن بطریق حکمیت قطع شود و آنچه که راجع بان الان در عدلیه مطرح است و نا کنون حکم راجع بانها قطعی نشده است حق داشته باشند تقریباً بموجب آن ماده که آقای مدرس پیشنهاد کرده اند عمل نمایند و یکی هم راجع است باین استقراضی که معلوم نیست آناجز و مؤسسات دولتی محسوب میشود باجز و مؤسسات تجارست آنها تصریح شده است در این پیشنهاد که جزو مؤسسات دولتی محسوب نمیشود و تجارنی است و باید مطابق قوانین عمومی حل و عقد شود و بنده تصور میکنم که این ماده خیلی از دعاوی را قطع کرده و کارها را تسهیل میکند نایب رئیس - ماده ۷۹ قرائت میشود آقایان ملاحظه فرمایند .

(این قسم قرائت شد)

ماده ۷۹ - هر اصلاح یا ماده الحاقیه که در ضمن مباحثات اظهار میشود باید دلایل آن بطور اختصار بیان شود و در صورتیکه وزیر یا مخبر کمیسیون تقاضا نماید باید آن اصلاح یا ماده الحاقیه بکمیسیون رجوع شود . هرگاه ارجاع بکمیسیون تقاضا نشود در باب قبول

توجه از مجلس رای خواسته میشود مجلس پس از اسامع اظهارات مخیر کمیسیون در این باب رای میدهد. صلاح یا ماده الحاقیه در صورت قبول توجه بکمیسیون ارجاع میشود.

نایب رئیس - عرض کنم آن قسمتی که بعضی از آقایان میفرمایند راجع بماده ۶۳ است. موارد فوری را ماده ۷۹ معین می کند. ماده الحاقیه - پیشنهادات و اصلاحاتی که میشود باید بطور اختصاص پیشنهاد دهنده اظهارات خود را بکنند و مخیر یا وزیر قبول کند. رای گرفته شود...

وزیر عدلیه - اجازه می فرمائید؟

نایب رئیس - قدری تأمل بفرمائید. و فقط

مخیر و وزیر میتوانند اظهار عقیده بکنند

مدرس - و سایر اعضا کنندگان پیشنهاد

وزیر عدلیه - عرض کنم که این ماده الحاقیه که پیشنهاد شده است در يك قسمتهایش عین همان لایحه است که چندی قبل از این دولت تقدیم کرده است و رفته است بکمیسیون عدلیه ولی بنسبه اینطور استنباط می کنم بواسطه این که فکر اغلب آقایان حالا حاضر نیست و مطالعه نکرده اند بهتر این است که آقای موافقت بفرمایند و این پیشنهادشان را پس بگیرند و بعد از تصویب شدن این قانون لایحه دولت خبرش از کمیسیون بیاید و یکمرتبه تکلیفش معلوم میشود

فهمی - بنده موافقت میکنم با نظر آقای وزیر عدلیه

نایب رئیس - مسترد کردید؟

فهمی - بله.

نایب رئیس - پیشنهاد آقای استرابادی

(این قسم قرائت شد)

ماده الحاقیه - کلیه دعاوی غیر منقول دولت بر افراد و افراد بر دولت مطابق این قانون قطع و فصل می شود.

استرابادی - در موقعی که قانون خالصجات انتقالی مطرح بود همین موضوع تذکر داده شد که دعاوی دولت بر مردم و مردم بر دولت يك موضوعی است که فوق العاده اسباب زحمت مردم شده است برای اینکه نقطه تمسك رقبات املاك مردم تصرف و تصاحب میکنند آقای وزیر عدلیه فرمودند در موقعی که قانون حکمیت بمجلس می آید این موضوع پیش بینی میشود برایش هم این موضوع را خدمتشان عرض کردم فرمودند که پیشنهادی تهیه شده است در این خصوص - حالا هم بنده مقصودم از این ماده الحاقیه این است که در دعاوی غیر منقول که مردم بر دولت و دولت بر مردم دارند بتمسك رقبات مطابق همین قانون حکمیت از طرف دولت و افراد حکم معین شود و قطع و فصل نمایند

وزیر عدلیه - عرض کنم که مسئله دیگر محتاج هست برای اینکه دعاوی غیر منقولی که دولت دارد می آید بعد از وقتی که آمد بعد از هرگاه يك نیز از متداعین تقاضای حکمیت کرد مطابق همین قانون رفتار میشود. مثل سایر مردم آن لایحه را که می فرمائید که ما گفتیم آن راجع بدعاوی منقول است که قسمت مشکل دعاوی را تشکیل می دهد و الا در قسمت دعاوی غیر منقول دولت بر افراد و افراد بر دولت مطابق این قانون اگر یکی از متداعین تقاضای حکمیت نمایند رفتار خواهد شد استرابادی - خوب اگر نظر بنده نامین شده است مسترد میداریم

نایب رئیس - ماده ۱۳ که حالا ماده ۱۶ می شود مطرح است.

(این قسم قرائت شد)

ماده ۱۳ - مواد ۷۵۷ تا ۷۷۹ اصول محاکمات حقوقی ملغی است.

جمعی از نمایندگان - مخالفی ندارد

نایب رئیس - رای میگیریم آقایانیکه موافقت با این ماده قیام نمایند

(اکثر برخاستند)

نایب رئیس - تصویب شد. ماده ۱۴ که ماده ۱۷ میشود مطرح است

(بشرح آتی قرائت شد)

ماده ۱۷ - وزارت عدلیه مأمور اجرای این قانون است روحی - بنده پیشنهادی تقدیم کرده ام نایب رئیس - بلی قرائت میشود [این قسم قرائت شد]

این قانون پس از تصویب بموقع اجرا گذاشته شده و وزارت عدلیه مأمور اجرای آن است. وزیر عدلیه - بنده نمی میکنم که دیگر توضیح ندهند قبول می کنم اگر هم پیشنهاد نمی کردند حقیقه همین طور بود

نایب رئیس - آقای مخیر چطور

مخیر - بنده هم می پذیرم

نایب رئیس - رای میگیریم بماده ۱۷ با این اصلاح آقایان موافقت قیام نمایند

[جمع کثیری برخاستند]

نایب رئیس - تصویب شد در شور کلیات مخالفی نیست؟

آقا سید یعقوب - بنده مخالفم.

نایب رئیس - بفرمائید.

آقا سید یعقوب - بنده يك پیشنهادی در ماده ۱۰ داده بودم که تفهیمم چطور شد مقام ریاست فرمودند نیست حالا عرض میکنم که نظریه بنده نامین شود. در ماده ۱۰ نوشته است با حکمیت در مواد ذیل مرفوع می شود:

۱ - در صورت نراضی طرفین ۲ در صورت فوت باجنون یکی از متداعین و ۳ چیز دیگر ولی در این موارد هیچ نوشته است که حق الزحمه که در ماده ۱۲ برای حکمها معین شده است دیگر مورد ندارد و اینجا باید تصریح کنند که حق الزحمه داده نمیشود این نظریه بنده را باید تأمین کنند

مخیر - بنظر بنده از خود این ماده هم این مطلب مفهوم میشود گویا آقا درست توجه نفرموده اند و الا مقصود آقا حاصل است چون این ماده راجع است بوقتی که هنوز رأی داده نشده است و باین جهت اصل این قرارداد حکمیت در موقع عدم صدور رأی کان لم یکن میشود و چون در ماده بعد قید شده است که این حق الزحمه منوط بصدور رأی حکم است بنا بر این نظر آقا تأمین شده است

جمعی از نمایندگان - رأی بگیرد مخالفی نیست نایب رئیس - رأی میگیریم باین قانون که مشتمل بر ۱۷ ماده است آقایان موافقت قیام فرمایند (اکثر برخاستند)

نایب رئیس - تصویب شد. پیشنهادی رسیده است راجع به ختم جلسه.

(این قسم قرائت شد)

پیشنهاد میکنم جلسه بعد از قانون حکمیت ختم شود حاج شیخ بیات حاج شیخ بیات - الان شش ساعت از شب گذشته است و همه خسته شده اند و اگر لایحه دیگری هم مطرح شود

عده از آقایان کان میکنم تشریف ببرند و اکثریت حاصل نشود از این جهت بنده پیشنهاد کردم جلسه ختم شود و بی جهت معطل نشوم

نایب رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - اطلاع بنده از اینکه آقای وزیر مالیه يك لایحه که از حیث احتیاج مملکت بتصویب آن نهایت اهمیت را دارد و حالا تقاضای تصویب آن را میکنند بنده را وادار کردند با این پیشنهاد آقای حاج شیخ بیات مخالفت کنم. این لایحه راجع است باعتباری که رفع احتیاج از نظمی و امنیه مملکتی میکند و باید ما علاقه مند باشیم باینکه این مؤسسه که شب و روز مشغول انجام وظیفه هستند حقوق آنها در آخر ماه به

قانون حکمیت

مصوب لیله بیست و نهم اسفندماه یکهزار و سیصد و شش شمسی

ماده ۱ - هرگاه در دعاوی حقوقی یکی از متداعیین محکمه صالح - بدایت و تجارت از محکمه تقاضا کند قطع دعوی بطریق حکمیت انجام گیرد محکمه طرف دیگر دعوی را موافقت با این تقاضا تکلیف و مطابق مواد ذیل رفتار خواهد کرد مشروط بر اینکه تقاضای حکمیت تا آخر جلسه اول محاکمه بعمل آمده و دعوی در آن محکمه بدایتاً طرح شده باشد

ماده ۲ - هرگاه تقاضای حکمیت از طرف مدعی بشود و مدعی علیه در موعد مقرر تعیین حکم نماید محکمه از طرف متنع حکم او و همچنین حکم ثالث را بقرعه مطابق ماده ۴ تعیین خواهد کرد - هرگاه تقاضای حکمیت از طرف مدعی علیه بشود و مدعی امتناع نماید دعوی توقیف و چنانچه تا در ماه مدعی حکم خود را معین ننماید محکمه قرار رد عرضحال را صادر خواهد نمود و این قرار قابل استیناف و تمیز نیست

ماده ۳ - محکمه در محاکمات عادی بعد از وصول اولین جواب کتبی مدعی علیه و در محاکمات اختصاری بعد از استماع جواب مدعی علیه در اولین جلسه قرار حکمیت صادر کرد ولی قبل از صدور قرار حکمیت باید با برادرات مدعی علیه رسیدگی کرده قرار رد یا قبول ایراد را بدهد این قرار قابل استیناف و تمیز است

هرگاه پس از رأی محاکم عالی یا بواسطه انقضای مدت استیناف و تمیز قابل استماع بودن دعوی و صلاحیت محکمه و متداعیین محرز شد محکمه قرار ارجاع حکمیت خواهد داد - این قرار قابل استیناف و تمیز نیست

ماده ۴ - ممکن است طرفین بکنفران بتراضی برای حکمیت انتخاب کنند و ممکن است هر کدام بک حکم معین کرده و حکم ثالث را بتراضی تعیین نمایند هرگاه در تعیین حکم ثالث تراضی نشود محکمه در جلسه که برای تعیین حکم و تنظیم حکم نامه مقرر داشته با حضور متداعیین از بین عده از اتماع ایران که کمتر از سه نفر نباشد و محکمه آنها را نسبت بسنخ دعوی بصبر و خیر بداند حکم ثالث را بقرعه معین خواهد کرد

تبصره - صورت اسامی اشخاصی که بقرعه گذاشته خواهد شد سه روز قبل از جلسه باید بطرفین داده شود

ماده ۵ - اشخاص ذیل نمیتوانند حکم ثالث شوند و خود آنها نیز باید از قبول حکمیت امتناع نمایند مگر بتراضی طرفین

(ا) کسی در دعوی مطروحه ذینفع باشد

(ب) کسیکه شخصاً یا زوجه اش با یکی از متداعیین قرابت نسبی یا سببی تا درجه سیم دارد

(ج) کسیکه قیم یا کفیل یا مباشر امور یکی از متداعیین است یا یکی از متداعیین مباشر امور اوست

(د) کسیکه خود یا زوجه اش وارث یکی از متداعیین است

(ه) کسیکه با یکی از متداعیین یا اشخاصیکه با آنها قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم دارد محاکمه جنائی یا جنجه داشته یا دارد

(و) کسیکه مابین او یا زوجه او یا اقربای نسبی او تا درجه سوم و یکی از متداعیین یا زوجه او یا اقربای نسبی تا درجه سوم دعاوی حقوقی مطرح است

تبصره - امتناع فوق الذکر ورد از طرف متداعیین باید از طرف حکم قبل از قبول حکمیت و از طرف

آنها برسد و تشویق بشوند این است که بنده تقاضا میکنم آقای حاج شیخ بیات پیشنهاد خودشان را مسترد بفرمایند و اگر مسترد نفرمایند از آقایان محترم استدعا کنم که رای ندهند باین پیشنهاد

نایب رئیس - عده برای اخذ رای کافی نیست چون عده کافی نیست عجزاً برای شرفیابی روز عید استقراع بعمل میآید...
یک نفر از نمایندگان - تنفس داده شود.
جمعی از نمایندگان - خیر حالا موقع گذشته است یک مرتبه جلسه را ختم میکنم

روحی - دو نوبت باید استقراع شود. اجازه می فرمائید؟

نایب رئیس - بفرمائید

روحی - عرض کنم که عید نوروز یکی از مفاخر عجم است و بزرگترین عید ملی ما ایرانیان عید نوروز است. آقا سید یعقوب - به به

روحی - این که حالا آقای آقا سید یعقوب به به میفرمایند احادیث و اخباری را که راجع به این موضوع رسیده است بخوانند و مراجعه بفرمایند. بنا بر این یک عده باید برای روز عید نوروز سلطانی معین شوند یک عده هم برای عید روز جمعه عید فطر

نایب رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضا رفیع - البته اهمیت عید نوروز بر همه آقایان معلوم است و در شرع مقدس هم بالاخره احادیث و ادعیه برای این عید وارد شده است و حقیقه امام هم می فرمایند که ایرانیان مسلمان این عید را عظمت (مجلس شش ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

نایب رئیس - جلسه آتیه روز سه شنبه ۱۴ فروردین ماه سه ساعت و نیم قبل از ظهر

جمعی از نمایندگان - صحیح است.

نایب رئیس - مخالفی نیست؟

(گفته شد خیر)

متداعین قبل از قرعه عمل نماید مگر آنکه ثابت رد و امتناع پس از قرعه و قبیل از صدور رای حکمیت ایجاد گردد.

ماده ۶ - شدائی بوسیله قرعه میتواند حکم شوند که سن آنها بالغ بر سی سال شمسی شده - در مقرر حکمه حضور داشته و طرفین قبل از قرعه در رد آنها متفق نباشند - قضا و اعطاء هر که نمیتوانند در حوزه مهوریت خود قبول حکمیت نمایند مگر بتراضی طرفین محکومین بجزا و جنایت و در خصوصه عنوان جناحه و جنایت در تحت تعقیب هستند نمی توانند مطلقاً بحکمیت معین شوند.

ماده ۷ - پس از تعیین حکمیت هر یک از طرفین را تنظیم کرده و فورا بامضای طرفین دعوی و منتها در ظرف سه روز بامضای حکمیت رسید هر که بیک یا چند نفر از حکمیت قبول حکمیت استنکاف نماید در ظرف سه روز پس از استنکاف دعوی استنکاف مطابق ماده هشتم تعیین حکمیت خواهد شد - پس از قبول حکمیت حکمها بیکطرف ازین خود معین خواهند کرد و حکمیت سوا از ابراق و اسناد طرفین را پیش از بفرستد - در صورتی که حکم یکطرف باشد در ابراق و اسناد پیش او فرستاده میشود در قریب همه حکمیت نکات ذیل قید میشود (ا) اسم و اسم نشود و شغل متداعین و حکم (ب) میزان مدعی که ترتیبی که در مواد راجع به رضاحل مقرر است (ج) مدت حکمیت

مدت حکمیت را آنکه کمتر از سه و بیش از سی روز نخواهد شد محکمه معین میباشد و ابتدائی آن در روزی است که تمام حکمها کتیباً حکمیت را قبول نموده اند محکمه میتواند مدت حکمیت را بتقاضای اکثریت حکمها بیکطرفه و بتراضی طرفین دعوی هر چند در که تقاضا نمایند تجدید کند

کسیکه قبیل حکمیت کرد و قبل از اتمام عمل و داین رای بدون عذر موجه استعفاء نمود تا در سال در هیچ قضیه نمیتواند حکم شود مگر بتراضی طرفین ماده ۸ - در صورتیکه یکی از حکمها ناسه جلسه نماظره و مسامحه از حضور نماید یا اصلا سه جلسه حاضر نشود بترتیب ذیل رفتار خواهد شد

(ا) هرگاه حکم مشترک حاضر نشود دو حکم دیگر رسیدگی کرده رای خود را در صورت توافق در ظرف پنج روز خواهند داد و الا محکمه بتقاضای یکی از متداعین بر طبق ماده ۴ حکم مشترک دیگری تعیین میباشد (ب) در صورت عدم حضور حکم مختص یکی از متداعین حکم مشترک فورا توسط محکمه کتیباً تعیین حکم دیگری را از طرف تقاضا خواهد کرد

چنانچه از تاریخ ابلاغ تقاضای مزبور تا پنج روز حکم جدید حاضر نشود حکم مشترک و حکم مختص دیگر رسیدگی نموده رای خواهند داد و در صورت عدم توافق محکمه بر طبق ماده ۴ حکم مختص را به قرعه معین خواهد کرد

حکمها در رسیدگی و حکم تابع مقررات قانون اصول محاکمات حقوقی نیستند ولی باید مخالفت با قوانین و شرائط قرار داد حکمیت نمایند

متداعین اسناد و مدارک و اوراق خود را بحکمها داده و حکمها میتوانند از آنها توضیحات شفاهی بخواهند در رأی حکم باید اسم و شهرت متداعین و حکم و موضوع منازعه و اسناد و مدارک و دلایل رأی تصریح شود

هرگاه پس از حکم رسیدگی در نفر از حکمها در رأی توافق نموده و حکم دیگر از امضاء رای امتناع نماید سایرین امضاء نموده و این امتناع در حکم قید میباشد - حکمیکه بامضای اکثریت حکمها رسیده است آن اعتبار را دارد که بامضای تمام حکمها رسیده باشد

محکمه که قرار حکمیت داده مطابق رأی حکم و بقره اجرائیه صادر خواهد کرد

ماده ۹ - از حکم حکم غیر منفرد در روز پس از ابلاغ میتوان تقاضای تجدید نظر کرد مگر اینکه در قرارداد حکمیت بتراضی این حق را ساقط نموده باشند

هیئت تجدید نظر تشکیل میشود از دو حکم مختص سابق بانضمام سه نفر از اشخاصیکه با بتراضی یا بطریق ذیل معین میشوند محکمه ازین شش نفر از اشخاصیکه نسبت بسنخ دعوا آنها را بصبر میداند و طرفین دعوا در رد آنها اتفاق میکنند سه نفر را بقرعه معین میکنند حکم هیئت تجدید نظر قطعی است

تبصره ۱ - در دعوی که مدعی به بیش از ده هزار تومان است بجای تجدید نظر فوق مستألف بشرط دادن ودیعه (صدی چهار محلوله به) میتواند تقاضا کند که محکمه استیناف صلاحیت دار در رأی حکمهای بدوی تجدید نظر نماید - حکم استیناف در صورتیکه رای حکم را تأیید کند قابل تمیز نیست و این استیناف مانع از تأدیبه حق الزحمه حکمهای بدوی نخواهد بود

تبصره ۲ - راجع بودیعه توافق ماده ۴۹۸ قانون اصول محاکمات حقوقی رفتار خواهد شد

ماده ۱۰ - در موارد ذیل حکمیت مرفوع میشود

(ا) در صورت تراضی طرفین که کتیباً بحکمه ابلاغ شود

(ب) در صورت فوت یا جنون یکی از متداعین

(ج) اگر در حین رسیدگی نشفت اوضاع و احوالی شود که مربوط بجنحه و جنایت و در حکم حکم نافذ و مؤثر بوده و تکفیک جهت حقوقی از جزائی ممکن شود

ماده ۱۱ - حکمها مکلف هستند رأی خود را در مدت حکمیت بدهند و در صورتیکه رأی حکم پس از انقضای مدت حکمیت صادر شده باشد محکمه بتقاضای یکی از متداعین آنرا فسخ میباشد

در موارد ذیل رای حکم باطل و از درجه اعتبار ساقط است

(ا) در صورتیکه حکمها خارج از حدود اختیارات خود نسبت بمطلبی که موضوع حکمیت بوده حکم داده باشند

(ب) وقتیکه بر خلاف سند رسمی حکم شده باشد

(ج) وقتیکه طرفین بتناق حکم حکم را رد نمایند

ماده ۱۲ - حق الزحمه هر یک نفر حکم بدوی ربع عشر مدعی به است که طرفین دعوی بالنسبه خواهند داد مگر اینکه حکم در رأی خود تقسیم را بین متداعین بطریق دیگر قرار بدهد حق الزحمه

حکمه های مشترك که برای تجدید نظر تعیین میشوند سه ربع عشر مدعی به امتا که فقط کسی که تقاضای تجدید نظر کرده است خواهد پرداخت حق الزحمه پس از رسیدگی و قطعی شدن رای در صورت تقاضای تجدید نظر پرداخته میشود و محکمه مربوطه مسئول وصول و ایصال آن خواهد بود

تبصره - مخارج عدلیه پیش از آنچه در وقت تقدیم عرض حال داده میشود نخواهد بود و در صورت اقدامات اجرایی حق اجرا دوعشر عشریه است

ماده ۱۳ - در صورت تراضی طرفین در هر مرحله از مراحل دعوی میتوان بحکمیت رجوع کرد و در این صورت حکم حکم قابل تجدید نظر نخواهد بود

ماده ۱۴ - هر گاه در محکمه انتظامی معلوم شد که معرفی محکمه اشخاصی را بجهت حکم مشترك کلاً یا بعضاً طبیعی نبوده بلکه مستقیم یا غیر مستقیم مبنی بر تباری و مذاکرات سابق بوده حکم محکمه محکوم بانفصال ابدی خواهد شد

ماده ۱۵ - نسبت بدعاوی حقوقی که فعلاً در مراحل بدوی مطرح است هرگاه یکی از متداعبین در جلسه اول بعد از تصویب اینقانون تقاضای حکمیت نمایند بر طبق اینقانون رفتار خواهد شد

ماده ۱۶ - مواد ۷۵۷ تا ۷۷۹ اصول محاکمات حقوقی ملغی است

ماده ۱۷ - این قانون پس از تصویب به موقع اجری گذاشته شده و وزارت عدلیه مأمور اجرای آن است

این قانون که مشتمل بر ۱۷ ماده است در جلسه لیله بیست و نهم اسفندماه یک هزار و سیصد و شش شمسی

رئیس مجلس شورای ملی حسین پیرنیا

مجلس شورای ملی رسید

قانون

دویست هزار تومان اعتبار برای خرید کشتی مسلح و اجازه استخدام صاحب منصب و مهندس

میکانیکی بحریه از ایتالیا

مصوب لیله سه شنبه ۲۹ اسفند ماه ۱۳۰۶ شمسی

ماده اول - مجلس شورای ملی مبلغ دویست هزار تومان از عوائد سنه ۱۳۰۷ بدولت برای مخارج ذیل

اعتبار می دهد

الف - خرید کشتی مسلح برای حفاظت سواحل خلیج

ب - تعمیر کشتیهای موجوده

ماده دوم - دولت مجاز است يك نفر صاحب منصب بحریه و يك مهندس ميكانيك چي از اتباع دولت ایتالیا برای مدت سه سال استخدام نماید و حقوق آنها سالیانه جمعاً از يك صد و پنجاه هزار قران نباید تجاوز کند - برای خرج مسافرت هر يك از آنها ایاباً و ذهاباً چهار هزار قران پرداخته خواهد شد

تبصره - دولت مجاز است حقوق ۱۳۰۷ متخصصین مزبور و خرج ایاب آهرا از محل دویست هزار تومان مصوبه

ماده اول پرداخت و برای سنوات بعد اعتبارات لازمه را برای اینمخارج در بودجه هر سال منظور دارد

ماده سوم - وزارت مالیه و وزارت جنگ مأمور اجرای اینقانون هستند

اینقانون که مشتمل بر سه ماده است در جلسه لیله ۲۹ اسفند ماه یک هزار و سیصد و شش شمسی بتصویب

رئیس مجلس شورای ملی حسین پیرنیا

مجلس شورای ملی رسید